

مسئله تجرد: سوژه و زیست‌جهان نو پدید دختران شهر تهران

جواد مداحی^۱، بیژن زارع^۲، سید حسین سراج‌زاده^۳، کرم حبیب‌پور گتایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

چکیده

مجرد زیستی دختران و شیوع این فرم از زندگی، تشکیل خانواده به‌عنوان نهادی بسیار مهم برای جامعه را دچار چالشی جدی نموده است. هدف این پژوهش کشف تفسیر و دلایل دختران شهر تهران از انتخاب مجرد زیستی بوده که با روش‌شناسی کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. به این منظور با ۳۵ دختر مجرد ساکن شهر تهران که به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده بودند، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شد. ۱۱ مقوله اصلی و یک مقوله هسته‌ای از خلال نظام کدگذاری داده‌ها استخراج شد. ترجیح‌رهایی و آزادی، حداکثرسازی منفعت و فردمحوری، گذران اوقات فراغت در قالب مدرن، شرایط‌ایجابی مشاغل جدید و مجازی، خانه مجردی: زمینه‌های مدرن زیست‌جهان، سیالیت روابط با دیگران مهم، بازاندیشی بدن و اهمیت آن، گزینش انزوا و تنهایی، بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به مردان، تهران و آرمان‌نشر مجردان، ترس از شکست و طلاق مقولات اصلی، همچنین، «تجرد: زیست‌جهانی چندوجهی» به‌عنوان مقوله هسته‌ای بدست آمده از تحلیل داده‌ها بودند. درنهایت مدل پارادایمی بر اساس مقولات مستخرج از داده‌ها تنظیم شد. یافته‌ها بر این دلالت داشتند که دختران مجرد در انتخاب زیست‌جهان خود تبدیل به عاملان و کنشگرانی فعال شده و دست به انتخاب می‌زنند؛ مسئله‌ای که چالشی جدی و چندوجهی را پیش‌روی جوانان قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: مسئله اجتماعی، تجرد زیستی، دختران، زیست‌جهان مدرن، تهران.

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی، تهران؛

gmaddahi@yahoo.com

۲ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران، (نویسنده مسئول)؛ zare@khu.ac.ir

۳ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران؛ serajzadeh@khu.ac.ir

۴ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، تهران؛ karamhabibpour@khu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در جامعه معاصر ایران، اگرچه خانواده همچنان یکی از نهادهای مهم اجتماعی محسوب می‌شود اما تحت تأثیر تحولات جهانی در حوزه فرهنگ و ارزش‌ها، دچار چالش‌های جدی شده است. مجرد زیستی جوانان و به‌ویژه دختران در جامعه‌ی ایرانی پدیده‌ای به نسبت جدید بوده که در حال شیوع است. این موضوع در نگاه اول، بیانگر دگرگونی زندگی اجتماعی آن‌ها و به خطر انداختن نقش خانواده به‌عنوان نهادی با اهمیت در جامعه است؛ فرمی از زیست اجتماعی که در حال رشد بوده و شکلی جهانی پیدا کرده است. این زیست‌جهان نوپدید حالا دیگر تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی در جامعه جهانی شده است (رایمو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱؛ فیشر^۲ و همکاران، ۲۰۲۱؛ پارک^۳ و همکاران، ۲۰۲۰؛ لاپلانت^۴ و همکاران، ۲۰۲۰؛ آپوستولو^۵ و همکاران، ۲۰۱۹؛ هیماوان^۶ و همکاران، ۲۰۱۸؛ سایی و شنات^۷، ۲۰۱۸). مسئله‌ای که حوزه خصوصی زندگی جوانان را از حوزه عمومی جدا کرده است. نتیجه چنین وضعیتی را می‌توان مرگ تدریجی فضای عمومی و جمعی در زندگی خانوادگی و اشاعه یا بیدادِ خصوصیت در این عرصه نامید. فردیتی که خانواده را نشانه رفته و جامعه را دچار چالش کرده است. آمار مجردان در ایالات‌متحده آمریکا نشان می‌دهد که از هر سه یا چهار بزرگ‌سال آمریکایی، یک نفر به شکل مجرد، زندگی می‌کند (آپوستولو و همکاران، ۲۰۱۹: ۲). از ۱۱۰/۶ میلیون بزرگ‌سال مجرد در ایالات‌متحده، ۵۳/۲ درصد زن هستند و ۶۳/۵ درصد هرگز ازدواج نکرده‌اند (مارلی ویتلی، ۲۰۱۹: ۱۶). این آمار مختص به جوامع غربی و آمریکا نبوده و به‌سرعت در قاره آسیا نیز شیوع یافته است. بر اساس آمار انستیتوی ملی تحقیقات جمعیت در کشور ژاپن سن اولین ازدواج برای مردان ۳۱ و زنان ۲۹ سال بوده و این درحالی است که طبق پیش‌بینی‌ها، ۲۰ درصد از دختران در کشور ژاپن هرگز ازدواج نخواهند کرد و مجرد باقی خواهند ماند (رایمو و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین پژوهش هیماوان و همکاران در سال ۲۰۱۷ نشان‌دهنده رشد قابل ملاحظه مجرد زیستی در کشورهای سنگاپور، اندونزی، هنگ‌کنگ، تایوان و استرالیا می‌-

1 Raymo

2 Fisher

3 Park

4 Laplante

5 Apostolou

6 Himawan

7 Saily & Shanat

باشد (هیماوان و همکاران، ۲۰۱۷). آمار مجردان و رشد سریع آن در جامعه ایران نیز در دهه اخیر همواره هشداردهنده بوده است. تهران به‌عنوان پایتخت ایران و شهری با تنوع زیست اجتماعی، آماری قابل‌توجه ثبت کرده است. طبق برآورد سالنامه آماری تهران در سال ۱۳۹۷ میانگین سن ازدواج در پسران ۳۰ و در دختران ۲۷ سال می‌باشد (سالنامه آماری تهران، ۱۳۹۷). بر اساس آمار گزارش شده به نظر می‌رسد تحول روابط اجتماعی در عصر مدرن شکل‌های جدیدی از واگذاری زندگی بر دوش جوانان به‌صورت فردی را پدید آورده و این امر به نوعی رنگ باختن زندگی اجتماعی و جمعی آنان را نشان می‌دهد. از آنجایی که در عصر جهانی‌شدن فرهنگ مدرن، شاهد پویایی خصوصی شدن و ایده‌آلیسم منافع فردی هستیم؛ مجردزیستی نوعی شیفتگی برای تجربه زندگی جدید ایجاد کرده است. مجردزیستن به‌عنوان یک فرم زندگی اجتماعی، پدیده‌ای نو و در حال اشاعه بوده که می‌توان آن را در تعریف مسئله‌ی اجتماعی به‌راحتی جای داد. بخش قابل‌توجهی از مردم و مسئولین در مورد بحران کاهش شدید ازدواج و به تبع آن کاهش تعداد مولید و همچنین بالارفتن جمعیت مجردان سخن گفته و اعتقاد دارند که بایستی برای کاهش جمعیت جوانان مجرد تدبیری عاجل اندیشید. زندگی به صورت مجردی مدل یا پدیده‌ای نیست که بتوان بدون نادیده گرفتن پویایی‌های اساسی‌اش آن را مقوله‌بندی و سنخ‌بندی کرد. تهران به‌عنوان شهری مدرن، فضایی ایده آل برای پذیرش سبک‌های زندگی متفاوت جوانان است. در این پژوهش سعی پژوهشگران بر این است که از بدیهیات اولیه در رابطه با تجرد گذر کرده تا به ریشه‌ها و عوامل اصلی آن پرداخته شود. این پژوهش، فارغ از هرگونه ارزش‌گذاری نسبت به زیست مجردی، به دنبال فهم، درک و تبیین علت انتخاب این شیوه زندگی دختران مجرد ساکن شهر تهران و به عبارتی به دنبال به تصویر کشیدن جهان زیسته و سناریوی آنان از این شکل از گذران زندگی است. در واقع مجردان جامعه به دو سنخ کلی تقسیم می‌شوند، گروهی از آنان این شیوه زندگی را انتخاب کرده و داوطلبانه به آن ادامه می‌دهند و گروهی دیگر تحت شرایط اجبار و با عدم رضایت خود مجرد باقی می‌مانند. ما در این مقاله به سنخی از دختران مجرد توجه کرده‌ایم که زندگی مجردی را انتخاب نموده و دلایل این انتخاب را مورد واکاوی قرار داده‌ایم.

بنابراین آنچه به‌عنوان مسئله کلی در این پژوهش قابل‌طرح بوده پاسخگویی به این پرسش است که: فرایند شکل‌گیری زیست مجردی دختران در شهر تهران چگونه است؟ اینکه دختران

مجرد با چه انگیزه‌هایی این سبک از زندگی را انتخاب نموده‌اند؟ چه تجربه و فهمی از فرایند زندگی مجردی در شهر تهران دارند؟ افراد چگونه با این تجربه کنار آمده و از آن مهم‌تر اینکه چگونه می‌توان بر اساس بازنمایی مجرد زیستی دختران، تحلیلی درست از این تجربه زندگی ارائه نمود.

پیشینه تجربی

غالب پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه جوانان مجرد در زمینه‌ی بررسی تأخیر سن ازدواج و با تمرکز بر چرایی وقفه در ازدواج است و معدود پژوهش‌هایی پیدا می‌شود که با روش‌های کیفی به دنبال به تصویر کشیدن زندگی مجردان و فهم آنان از این زیست جهان جدید باشند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این مطالعات متناسب با سؤالات تحقیق اشاره می‌شود.

زارع و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی- فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سینت)» به انجام رساندند. این مقاله با تأکید بر تخیل جامعه‌شناسانه به دنبال ابهام‌زدایی و ایجاد خلاقیت در نگاه به این مسئله اجتماعی بوده است. نتایج تحلیل‌ها و مصاحبه‌های ارائه شده در پژوهش نشان می‌دهد نوعی از زندگی در جامعه نوین شکل گرفته است که در پی محبوبیت فردگرایی، جوان معاصر را با به حداکثر رساندن لذت جنسی و مصرف‌گرایی، اغوا نموده و پدیده‌های خیالی- مجازی را برایش تبدیل به واقعیتی تام کرده است. باقری و همکاران (۱۳۹۸) طی پژوهشی در شهر مشهد به مطالعه علل برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج در میان دختران مجرد پرداخته و دریافتند که دختران مجرد در شهر مشهد مجموعه‌ای از علل را برای عدم ازدواج خود ارائه کرده و نمی‌توان به راحتی با علتی واحد این موضوع را تبیین نمود. برخی از مهم‌ترین دلایل شامل فردگرایی، سبک زندگی مدرن و غربی، جمود و وسواس، عوامل اقتصادی و روابط ناپایدار خانوادگی بیان شده است. چابکی (۱۳۹۶) در پژوهشی به دنبال روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل عدم ازدواج و باقی ماندن در مجرد نشان داده‌است که نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج، تغییر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی به عنوان کاهش دهنده جاذبه ازدواج طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین نتایج چابکی نشان داده‌اند که تغییر ایده‌های دختران از

ارزش‌های مادی به فرامادی نقشی مهم در عدم ازدواج آنان دارد. افزاینده و فرمانفرمایی (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان «شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین (همخانگی)» در میان دختران و پسران تهرانی انجام داده‌اند. با توجه به شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در میان مردان و زنانی که تمایل به همخانگی دارند از طریق آزمون فریدمن به ترتیب اولویت تغییرات اقتصادی، رسانه‌های جهانی، تغییرات فرهنگی و تغییرات اجتماعی به عنوان عوامل نفوذ فرهنگی شناخته شدند. نصرتی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود به دنبال بررسی جامعه‌شناسانه دلایل دیرنگامی ازواج در میان جوانان شهر طارم بودند. نتایج نشان داد از میان عواملی که تأثیرشان بر دیرنگامی ازواج بررسی شده است، صرفاً هزینه‌های ازدواج و وضعیت شغلی مردان بر دیرنگامی ازواج در این شهرستان تأثیرگذارند. در بسیاری از روستاهای ایران متغیرهای غیراقتصادی به دلیل بافت سنتی و کوچکی فضا چندان نمی‌توانند نقشی در تأخیر در سن ازدواج ایفا کنند.

در پژوهش‌های صورت گرفته در خارج از ایران نیز توجه ویژه‌ای به موضوع مجرد زیستی جوانان شده و از آن به عنوان مسئله‌ای اجتماعی نام می‌برند.

رایمو و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی که روی دلایل تأخیر ازدواج جوانان در ژاپن به شکل توصیفی و بر اساس داده‌های ملی آمار جمعیتی ژاپن انجام دادند، سه مسیر را برای جوانان مشخص کردند. عدم پذیرش ازدواج توسط جوانان مجرد، عدم تحقق خواسته‌های ازدواج و سوق یافتن برنامه‌ریزی به سمت مجردی. نتایج این پژوهش نشان داد بیشتر جوانان مجرد دختر و پسر علاقه به ازدواج دارند اما تحت شرایطی قرار گرفته‌اند که در اختیارشان نیست و به اجبار در این شرایط حضور دارند.

آپوستولو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به دنبال بررسی علل تجربی مجرد ماندن جوانان در کشور آمریکا بودند. نمونه‌های این پژوهش شامل ۶۴۸ مجرد آمریکایی بود. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تجرد در این پژوهش مهارت‌های پایین دوستی و معاشقه با جنس مخالف، ترس از آسیب دیدن در رابطه، داشتن اولویت روابط متنوع و مسائل جنسی است. به طور خاص مردان برای حفظ آزادی و تعدد روابط میل بیشتری به مجرد ماندن نشان می‌دهند، در حالی که دختران مجرد در ژاپن بیشتر به دنبال عدم صدمه دیدن در رابطه هستند. افراد در

سنین پایین به دلیل ضعف مهارت مجرد می‌مانند در صورتی که در سنین بالا به دلیل آزادی در روابط و عدم مسئولیت مجرد می‌مانند.

آپوستولو (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «بهای مجرد بودن: تأثیر غیرارادی تجرد بر احساسات و رضایت از زندگی» به این نتیجه رسید که ۴۰ درصد از مجردان مورد بررسی پژوهش، افرادی هستند که تجربه تجرد برایشان اجباری و غیر داوطلبانه بوده است. همچنین مشخص شد که مجردهای غیرارادی و اجباری به‌طور قابل توجهی احساس منفی بیشتری را تجربه می‌کنند و بین تجرد و احساس عدم رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

لاپلانت و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان «هم‌خانگی بدون ازدواج و باروری» در ایرلند به انجام رساندند. تصویر کلی حاصل از نتایج این است که در جامعه ایرلند، هم‌بالینی بدون ازدواج و همچنین داشتن فرزند خارج از ازدواج، مورد مقبولیت اجتماعی قرار گرفته است. داشتن فرزندان در یک هم‌بالینی دیگر قبح و زشتی ندارد، اما زنان تحصیل کرده بیشتر مستعد این کار هستند. این نوع از زندگی شاید نشانه‌ای از طبقه اجتماعی و تمایز باشد.

هیماوان و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی جامع، نیم‌رخ از وضعیت جوانان مجرد در آسیا را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش هم وضعیت کشورهای پیشرفته آسیایی مانند ژاپن و سنگاپور و هم کشورهای در حال توسعه مانند مالزی، چین و اندونزی مورد بررسی علمی قرار گرفتند. نتایج نشان داد در کشورهای آسیایی که متأثر از فرهنگ غربی هستند تجرد به راحتی پذیرفته شده و دیگر فشارهای اجتماعی ناشی از سنت‌های بومی بر آنان وارد نمی‌شود. همچنین نتایج نشان داد اگرچه تعداد جوانان مجرد در کشورهای آسیایی نسبت به غرب همچنان پایین است اما این جمعیت در حال رشد افسارگسیخته‌ای است.

با نگاه تحلیلی به پیشینه‌های اشاره شده می‌توان به اهمیت مسئله تجرد زیستی در جوامع مختلف از غرب تا شرق پی برد. پیشینه‌های پژوهش به درستی به جنبه‌های شکل‌گیری و اشاعه این موضوع پرداخته و می‌توانند در نوع نگاه، سطح تحلیل و هدایت پژوهش اثرگذار باشند. با وجود این، با توجه به سیالیت قیدوبندهای فرهنگ معاصر حاکم بر زندگی جوانان، می‌بایست پژوهش‌های جامعه‌شناسی به رسالت خود یعنی نگاه موشکافانه پرداخته و موضوع تجرد زیستی را با رویکردی زمینه‌محور و کاوشی عمیق پیگیری کنند. گرایش جوانان به زندگی مجرد در

قیاس با سال‌های گذشته بیشتر و همچنین با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین تغییرات آن سریع‌تر شده است. تنوع جهان زیسته و افزایش احتمال شکل‌گیری هویت‌های چندتکه و ترکیبی که می‌توان به وضوح در عرصه اجتماعی مشاهده کرد، ما را بر آن می‌دارد که در جامعه‌ای که با سرعتی فزاینده متکثر و چندپاره می‌شود، نقش‌ها، علایق و اولویت‌های بسیاری را که به سرعت در حال گسترش است، مورد واکاوی و پژوهش قرار دهیم و در ثناتر زندگی جوانان مجرد با کنار زدن سطح به معنا و نگاه آنان از زندگی‌شان بپردازیم.

چارچوب مفهومی

در این بخش با پرداختن به چارچوب مفهومی و مفاهیم حساس در ارتباط با موضوع تحقیق و دیدگاه‌های موجود، بخشی از مفاهیم پیونددهنده تحلیل با زمینه پژوهش مرور شده است. به دلیل ماهیت کیفی تحقیق، نظریه و نظم‌دهی مفهومی تابع آن پس از جمع‌آوری داده‌ها و انجام بخش اکتشافی از دل کار بیرون می‌آید. در واقع هدف استفاده از مفاهیم در این پژوهش در ابتدا صرفاً به‌عنوان راهنمایی جهت مفهوم‌سازی و حساسیت نظری است و به دنبال ذهنیتی برساخته از نظریه در جهت جمع‌آوری اطلاعات از پیش تعیین‌شده نیست، زیرا ماهیت پژوهش اکتشافی ورود به میدان تحقیق با ذهنیتی باز است.

در سطح تحلیل و تبیین مسئله می‌توان از دریچه‌های نظری با مفاهیمی همچون «سوژه پراکنده ماشین امیال»، «بازاندیشی»، «جوان پرسه‌زن» و «عشق سیال» به تجربه مجرد زیستی دختران در جامعه معاصر ایران توجه نمود. به نظر می‌رسد مجرد زیستی دختران و افزایش تمایل به این نوع از زندگی، ریشه‌هایی عمیق در مسائل فرهنگی و ارزشی جامعه مدرن و مابعد مدرن دارد. انتخاب آزادانه، حرکت به سمت امیال و بازاندیشی در حوزه‌های مختلف فکری، هویتی، جنسیتی و بازنگری بدن نوعی فرهنگ را ساخته و پرداخته کرده که توجه و تحلیل اشاعه این سبک زندگی را لازم می‌آورد. قشری از دختران جوان که گویی جهت زندگی خود را بی‌اختیار به ماشین میل و لذت سپرده و ارزش‌های فرهنگی سرمایه‌دارانه در کنه ذهنشان رسوخ کرده است. جوانانی که بازاندیشی هویت و برساختی از هویت جدید را تجربه کرده و سیالیت در روابط جزو جدایی‌ناپذیر زندگی‌شان شده است. در ادامه به مفاهیمی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان دوره معاصر جامعه‌شناسی که به نظر می‌رسد به‌خوبی تبیین‌گر موضوع است پرداخته می‌شود.

سوژه پراکنده ماشین امیال

به نظر می‌رسد سوژه پراکنده امیال و ماشین‌های میل‌ساز از مفاهیمی است که می‌تواند تبیین‌کننده سبک‌های میل به مصرف زندگی (یا زندگی مصرفی) در جوانان باشد. نکته مورد توجه دلوز^۱ و گاتاری^۲، همانند میشل فوکو، رابطه قدرت میان جامعه و میل در جوامع مدرن بود. آن‌ها ادعا می‌کردند نهادها و گفتمان‌های مدرنیته نوعی ملایم از تحمیل هستند که با سرکوب کردن همه ابعاد زندگی روزمره سلطه خود را اعمال می‌کنند. دلوز و گاتاری معتقد بودند سرمایه‌داری در سرپای زندگی رسوخ کرده و حتی امکان تجربه آزادی، بیان و رضایت واقعی را از افراد سلب کرده است و همه امیال تحت سلطه سرمایه‌داری امیالی دروغین و باواسطه هستند. نظام‌های سرمایه‌داری، میل و خلاقیت را با هدایت کردن در حوزه‌ها یا مرزهای سازمان‌یافته اجتماعی از قبیل مصرف‌گرایی، سرمایه، قانون، روان‌پزشکی، خانواده هسته‌ای، طبقه اجتماعی، نقش‌های جنسیتی و روابط جنسی تقسیم‌بندی می‌کنند. نظام‌های سرمایه‌داری به این ترتیب میل و خلاقیت را به طرز مؤثری کنترل می‌کنند. دلوز و گاتاری میل را به تولید و مصرف کالا ربط می‌دهند و سوژه‌های اجتماعی را در شبکه‌ای از ساختارها و نهادهای اجتماعی غیرشخصی و مادی کننده گرفتار می‌سازند. سرمایه‌داری همواره خود را با ابداع حوزه‌های جدید برای میل خریدار بی‌ثبات می‌سازد. با افزایش کالا چیزهای بیشتری طلب می‌کنید، با تصاویر بیشتری همزادپنداری می‌کنید و راه‌های فرار بیشتری دارید. وقتی یاد می‌گیرید در دنیایی از امیال متناقض زندگی کنید، درهای آزادی و مخالفت به رویتان باز می‌شود. وقتی زیاد مصرف می‌کنید و به مصرف‌کننده‌های بی‌مرکز تبدیل می‌شوید می‌توانید تهدیدی برای حوزه‌بندی زندگی خصوصی و اجتماعی باشید (گلن‌وارد، ۱۳۹۶: ۲۰۳). از نظر دلوز و گاتاری نیروی محرکه همه کنش‌ها و تعامل‌های اجتماعی و شخصی، یعنی میل، دائماً در ارتباطات متکثر و تصادفی با افراد و اشیا جریان دارد و دائماً از مرزهایی که ساختارهای اجتماعی جامعه مدرن تحمیل می‌کنند فراتر می‌رود. آنان در جامعه مدرن هویت‌های پایدار را پنداری مضر می‌دانند و از تفاوت و بی‌نظمی و روند جاری تغییر به‌عنوان تنها راه آزادی تجلیل کرده و بر نیاز به تحقق میل‌های متکثر ما تأکید می‌کنند (گلن‌وارد، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

1 Gilles Deleuze

2 Guattari felix

بازاندیشی

بازاندیشی در زندگی اجتماعی دربرگیرنده این واقعیت است که کارکردهای افراد پیوسته بازسنجی می‌شوند؛ یعنی به اصلاح به‌وسیله داده‌های تازه، ویژگی‌های آن به گونه اساسی دگرگون می‌شود. گیدنز بر این باور است که در جامعه مدرن، انسان‌ها با آفرینش و اصلاح هویت خود، چه بودن و چگونگی شدن خود را پیوسته بازنگری می‌کنند. همه صورت‌های زندگی، کم و بیش، با دانشی که کنشگران از این صورت‌ها دارند، ساخته می‌شود و از دید گیدنز، بازاندیشی مدرنیته با تولید پیوسته خودشناسی ارتباطی مستقیم دارد (گیدنز، ۱۳۸۷). از دیدگاه گیدنز، بازاندیشی خود وارد محدوده بدن نیز می‌شود و با این رویکرد، بدن دیگر شی منفعلی تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از یک نظام کنشی است. فاعل و سوژه، به‌طور مرتب بر فرآیندهای جسمی خود نظارت دارند و آگاهی از چگونگی بدن، برای دریافتن تمام عیار هر لحظه از زندگی از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۶). او به بازاندیشی در حوزه سنت‌ها، عرف، بدن و شیوه‌های درمان می‌پردازد و تحولات در این کانون‌ها را معطوف به آینده و تحولات آتی می‌داند (همان: ۱۱۳). جوانانی که دائماً گرایش به بازاندیشی همه ابعاد زندگی در جامعه مدرن دارند، مرزی برای دنیای خارج از این بازاندیشی باقی نگذاشته و حتی بازاندیشی را وارد حوزه فراغت و تفریح خود می‌کنند.

جوان پرسه‌زن

درواقع از چشم‌نوازترین و درخشان‌ترین موضوعاتی که در باب پرسه‌زنی در اختیار جامعه علوم اجتماعی است، مطالعات والتر بنیامین در رابطه با جهان پرسه‌زن‌ها است که ابداع این مفهوم جدید جهانی از مفاهیم را پیش روی ما می‌گذارد. بی‌هدفی در تفریح و گردش، آرزوی با ارزش جوان پرسه‌زن است و قدم زدن در شهر، بهترین هدیه‌ای است که می‌توان به پرسه‌زن داد (بنیامین، ۲۰۰۳: ۴۱۷). والتر بنیامین فرد پرسه‌زن را شبیه نمادی از فرم‌های شهر مدرن و پاساژها و مراکز خرید فروشگاه‌های را، برای پرسه‌زن فضای مألوفی می‌داند که بدون اینکه نیازی برای خرید کالاها داشته باشد در آن به گردش و تفریح می‌پردازد و ارتباط جالب و ویژه‌ای با شهر برقرار می‌کند. اتفاق و موضوعی که بالزاک آن را «هنر دیدن» نامید (بالزاک، به نقل از فرگوسن،

۱۹۹۴: ۳۵). به اعتقاد والتر بنیامین، بخش زیادی از جوانان غرق در رؤیایی هستند که جهان سرمایه‌داری برای آن‌ها در خیابان‌ها، فروشگاه‌ها، مراکز خرید و غیره فراهم آورده است. با توجه به این موضوع، از نگاه والتر بنیامین هیچ گروه اجتماعی و قشری از جامعه نیست که متأثر از این شیء‌وارگی و کالایی شدن نباشد. کوچه و خیابان محل امن و با آرامش فردی است که در آن‌ها قدم می‌زند و از نظر والتر بنیامین، روی آسفالت سیاحت می‌کند. پرسه‌زن نظاره‌گر شهر و خانه‌بدوشی است که سرگرمی و تفریح او نگاه به ویتترین‌های پرزرق و ورق و اغواکننده است. پرسه‌زن، زندگی در شهر و قدم زدن در خیابان را دوست داشته و آن را رها نمی‌کند (اسمیت، ۲۰۰۱: ۴۱). دید و نگاه والتر بنیامین از جوان پرسه‌زن مبهم است به این دلیل که از یک طرف او عاملی فعال است و از طرف دیگر جوان غریبه‌ای است که در میان جماعت، گمنام و حیران است. به تعبیر دیگر، در چنگ و چنبره بتوارگی کالاها اسیر شده است (کاظمی، ۱۳۸۸: ۷۶). جوان پرسه‌زن که سیالیت زمان و مکان برایش امری عادی و دلپذیر شده به نظر می‌رسد پای این سیالیت خواهی را به روابط خود نیز باز می‌کند.

عشق سیال

زیگموند باومن در کتاب معروف خود به نام عشق سیال، سیال بودن و عدم پایداری پیوندهای انسانی، عدم احساس امنیت ناشی از این عدم پایداری احساسات و امیال ناشی از تضادهای مبتنی بر تحکیم پیوندها و درعین‌حال ضعیف نگه‌داشتن آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد (باومن ۱۳۸۴: ۱۰). زیگموند باومن بر این موضوع تأکید دارد که در دنیای فردگرای افسارگسیخته و بی‌نظم، روابط اجتماعی می‌توانند هم مایه خوبی و هم مایه بدی باشند. کنش اجتماعی و روابط افراد در جامعه میان کابوسی تلخ و خوابی شیرین در نوسان است و مشخص نیست چه زمانی یکی از این دو به دیگری تبدیل می‌شود. در واقع افراد در دنیای معاصر به دنبال همدم و شریک زندگی هستند و برای فرار از غم و احساس یاس وارد رابطه دوستی می‌شوند، اما تجربه این نوع شریک داشتن در زندگی به آن‌ها یاد می‌دهد که زندگی برایشان از قبل ناراحت‌کننده‌تر و دردآورتر از گذشته شده است. هم‌چنین زیگموند باومن به فرهنگ مصرف‌گرایانه و سرمایه‌داری در دنیای مدرن اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که انگار این نوع از بینش و تفکر به روابط انسانی نیز

نفوذ داشته و افراد همدیگر را مانند کالا می‌بینند. همان‌گونه که کالاهای مصرفی تاریخ انقضا و مصرف دارند، گویی روابط اجتماعی نیز تاریخ مصرف دارند و اگر تاریخ مصرفشان هنوز تمام نشده باشد نیز ممکن است گزینه‌های بهتر و جدیدتری برای رابطه پیش آید (دهبانی پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

روش‌شناسی

هدف این مطالعه فهم و تفسیر تجربه گروهی از دختران، از مجردزیستی است. به همین دلیل پارادایم تفسیری برای انجام این پژوهش انتخاب و از روش نظریه‌ی زمینه‌ای (گراندد تئوری) برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این روش در مواردی به کار می‌رود که پژوهشگر علاقه‌مند به فهم معنای پدیده از نگاه و تجربه افراد درگیر آن است (مریام، ۲۰۰۹: ۲۲)؛ بنابراین پژوهشگران کیفی زمانی از این روش استفاده می‌کنند که می‌خواهند بفهمند: مردم چه تفسیری از تجربه خود دارند؟ چگونه جهان خود را می‌سازند؟ چه برداشتی از تجربه خود دارند؟ (افراسیابی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵). مشارکت‌کنندگان این پژوهش، دختران مجرد ۲۷ تا ۴۰ سال ساکن شهر تهران بودند که مجرد زیستی را به‌عنوان سبکی از زندگی انتخاب کرده‌اند. ملاک انتخاب این دامنه سنی بر اساس سالنامه آماری تهران و میانگین اولین سن ازدواج در دختران (۲۷ سال) در سال ۱۳۹۷ بوده است. برای جمع‌آوری داده‌ها با ۳۵ دختر مجرد مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شد و پژوهش از جهت داده به اشباع نظری رسید. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد. از میان استراتژی‌های مختلف نمونه‌گیری، نمونه‌گیری گلوله برفی به کار گرفته شد؛ به این صورت که ابتدا تعدادی از این افراد از طریق شبکه‌های مرتبط، آشنایی و افراد مطلع انتخاب شدند؛ پس از آن هر نمونه در صورت آشنایی با دختران مجرد دیگر، زمینه برقراری ارتباط و شکل‌گیری مصاحبه بعدی را فراهم می‌کرد. مصاحبه‌ها به‌طور میانگین بین ۴۰ دقیقه تا ۳ ساعت زمان برده و در مواردی در چندین جلسه مصاحبه ادامه یافت. بیشتر مصاحبه‌ها در فضاهای باز مانند پارک و بوستان‌ها، فرهنگستان‌ها و در مواردی در کافی‌شاپ‌ها صورت پذیرفت. مدت‌زمان فرایند جمع‌آوری داده و فرایند مصاحبه بیش از یک سال به درازا کشید. تحلیل داده‌ها با نظام کدگذاری نظری انجام شد. در این نوع کدگذاری که خاص روش نظریه زمینه‌ای است، سه مرحله کدگذاری طی شد:

کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. در مرحله کدگذاری باز متن مصاحبه‌ها سطر به سطر خوانش و مفهوم بندی شد. در کدگذاری محوری این مفاهیم کنار یکدیگر قرار داده شد و بر اساس هم‌پوشانی معنایی به صورت مقولات محوری درآمد و در نهایت مقوله هسته‌ای در سطحی انتزاعی‌تر از دو مرحله پیشین حاصل شد. ذکر این نکته ضروری است که فرایند کدگذاری داده‌ها از مصاحبه دوم به بعد آغاز شد و تا پایان کار تحلیل، مصاحبه و تحلیل به صورت هم‌زمان پیش رفت.

جدول ۱. مشخصات دختران مجرد مشارکت‌کننده

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل
۱	مریم	۳۲	فوق‌لیسانس	دانشجو
۲	سهیلا	۳۰	دانشجو دکتری	بیکار
۳	نازنین	۲۹	لیسانس	پرستار
۴	ندا	۳۰	دیپلم	بازاریاب
۵	شبنم	۳۰	لیسانس	شرکت اینترنتی
۶	سمیرا	۲۷	لیسانس	کتاب‌فروش
۷	نادیا	۲۸	لیسانس	شرکت تبلیغات
۸	نسترن	۳۰	دانشجوی دکتری	مری‌باشگاه
۹	ندا	۲۷	لیسانس	دستیار دندان‌پزشکی
۱۰	هانیه	۲۷	لیسانس	بیکار
۱۱	نگار	۳۶	فوق‌لیسانس	پرستار
۱۲	سارا	۳۱	فوق‌لیسانس	مشاور کمپ ترک اعتیاد
۱۳	معصومه	۴۰	دکتری	نویسنده
۱۴	فرزانه	۳۹	دانشجو دکتری	پژوهشگاه
۱۵	سیمین	۳۰	فوق‌لیسانس	شاغل در شهرداری
۱۶	مینا	۳۲	لیسانس	آرایشگر
۱۷	نسترن	۳۱	فوق‌لیسانس	کارشناس کنترل کیفیت

ادامه جدول ۱. مشخصات دختران مجرد مشارکت‌کننده

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل
۱۸	حدیث	۴۰	لیسانس	کارمند
۱۹	ناهید	۳۸	فوق‌لیسانس	بیکار
۲۰	نازنین	۲۷	لیسانس	مشاور کمپ ترک اعتیاد
۲۱	ساناز	۳۰	لیسانس	تبلیغات در شبکه‌های مجازی
۲۲	سونیا	۲۸	لیسانس	مدل و طراح لباس
۲۳	شیما	۳۴	لیسانس	لیدر تور طبیعت‌گردی
۲۴	سحر	۳۰	لیسانس	نوازنده
۲۵	مهناز	۳۱	فوق‌لیسانس	بازیگر
۲۶	نادیا	۳۴	لیسانس	پرستار
۲۷	دنیا	۳۰	فوق‌لیسانس	کارمند روابط عمومی
۲۸	زهره	۲۸	لیسانس	عکاس و ادیتور
۲۹	سمانه	۴۰	دکتری	مدرس دانشگاه
۳۰	بهاره	۳۱	دیپلم	آرایشگر
۳۱	سهیلا	۳۰	لیسانس	فروشنده لباس
۳۲	نگار	۲۷	لیسانس	تبلیغات و گرافیک
۳۳	گیسو	۳۵	فوق‌لیسانس	فروشنده لوازم کوه‌نوردی
۳۴	هنگامه	۴۰	دکتری	پزشک زنان
۳۵	سوگند	۳۹	فوق‌لیسانس	رادیولوژیست

اعتبار پذیری: برای افزایش اعتبار یافته‌ها، ارتباط نزدیک و توأم با اعتماد با مشارکت‌کنندگان ایجاد و در طول بیش از یک سال گردآوری داده، این ارتباط حفظ شد. کنترل توسط اعضا (دیپوی و گیتلین، ۲۰۰۵) در سرتاسر فرایند گردآوری داده‌ها برای ارزیابی درستی مشاهدات و تفاسیر پژوهشگر، به کار گرفته شد. مفاهیم برساخته و نتایج پژوهش به‌طور مرتب در فرایند کار و بعد از اتمام تحلیل داده‌ها با مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته شد. پژوهشگران در این مطالعه با مقایسه-های مداوم صحبت‌های مشارکت‌کنندگان در کنار توجه به بازخورد آنان از تحلیل‌ها، تلاش کردند به سطح مناسبی از اطمینان در پژوهش دست یابند. همچنین بخش زیادی از مصاحبه‌ها (با رضایت

کامل مشارکت‌کنندگان) ضبط شد و بخش دیگر با توجه به نظر مشارکت‌کنندگان مبنی بر عدم رضایت ضبط صدا، به صورت هم‌زمان در حین مصاحبه یادداشت گردید.

ملاحظات اخلاقی: پیش از شروع مصاحبه، رضایت مشارکت‌کنندگان جلب شد. همچنین با توضیح هدف، موضوع و شیوه پژوهش، مصاحبه‌شوندگان با روند کار آشنا شدند تا در صورت تمایل نداشتن به شرکت در مصاحبه قدرت اختیار و انتخاب کافی به آنان داده شود. حفاظت از اطلاعات شخصی و خصوصی افراد بُعدی بسیار مهم در کار پژوهشی است؛ به همین دلیل پژوهشگر با رضایت کامل و با اجازه هر فرد شرکت‌کننده در پژوهش به ضبط، یادداشت و استفاده از داده‌ها اقدام کرد و به افراد اطمینان داده شد که اطلاعات به‌طور محرمانه محافظت خواهند شد. از جمله این اقدامات که برای جلوگیری از فاش شدن هویت واقعی مشارکت‌کنندگان به‌کاربرده شد، استفاده از اسامی مستعار در ثبت اطلاعات آنان بود.

یافته‌ها

داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری نظری تحلیل شدند. در مرحله کدگذاری باز ۷۰ مفهوم اولیه و ۱۱ مقوله اصلی استخراج شدند. در مرحله کدگذاری محوری، روابط بین این مفاهیم و مقولات بررسی و مقولات و مفاهیم تلفیق‌پذیر در یکدیگر ادغام شدند؛ در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی مقوله نهایی و هسته شکل گرفت. مفاهیم و مقولات جدول (۲) نمایی از شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده، استراتژی‌ها و پیامدهای مجردزیستی دختران را نشان می‌دهد. مقوله نهایی حاصل از بررسی‌ها «تجرد: زیست‌جهانی چندوجهی» است. این مقوله روایتگر سنخی از سنخ‌های متنوع تجرد زیستی در میان دختران در شهر تهران است. چندوجهی بودن و التقاط مفاهیم مدرن با زیست‌جهان جوانان، زمینه‌های متعددی را برای سبک زندگی این گروه اجتماعی ایجاد کرده است. در ادامه داده‌ها بر مبنای اظهارات مشارکت‌کنندگان و دریافت و تحلیل پژوهشگران به صورت شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها صورت‌بندی شده‌اند.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده از داده‌ها

مقولات اصلی	مفاهیم
ترجیح‌رهایی و آزادی	دوری از محدودیت‌های خانواده، آزادی‌های کوچک (تسلط بر نحوه گذران زمان و امور شخصی)، اختیار در رفت و آمدهای فردی، تمایل به متفاوت زیستن از دیگران، گریزان از مسئولیت، انعطاف در انتخاب، طرد هنجار
حداکثر سازی منفعت و فردمحوری	پولی شدن تمایلات، ترجیح لذت‌های فردی، شخصی‌سازی زندگی، تمامیت‌خواهی و انحصارطلبی، بی‌تفاوتی به امر اجتماعی، دنباله‌روی آرزوهای شخصی، اولویت در پیشرفت شغلی و مالی، حسابگری در روابط و مبادله‌ای دیدن زندگی، خودکفایی فردی، خودشیفتگی
گذران اوقات فراغت به سبک‌های مدرن	طبیعت‌گردی‌های گروهی و مختلط، مهمانی‌های شبانه، پرسه زنی و خیابان‌گردی، کافه نشینی و تفکر کافی‌شاپی، سفرهای متنوع داخلی و خارجی، جمع‌های مجازی و دوست‌یابی‌های متنوع، نمایش مدگرایی و جلب‌توجه، مصرف سیگار و مواد مخدر، مصرف برای تفریح و خودنمایی
شرایط ایجابی مشاغل جدید و مجازی	تجرد خواهی برخی مشاغل، تبلیغات در اینستاگرام، مشاغل مجازی و اینترنتی، کار در فروشگاه‌های آنلاین، کسب درآمد با فعالیت در شبکه اجتماعی اینستاگرام
خانه مجردی، زمینه‌های مدرن زیست جهان	نقش خانه مستقل در تغییر علایق، منزل جداگانه و دور همی‌های دوستانه، استقلال مکانی و روابط با جنس مخالف، خانه واسطه سبک زندگی جدید، زمینه فراهم جهت دوری از دیگران، استقلال در تنظیم ساعات ورود و خروج و اختیار در نوع گذران وقت در منزل
سیالیت روابط با دیگرانی مهم	تجربه روابط بدون ایجاد مسئولیت، تأمین نیاز خارج از تأهل، تسهیل در خروج از روابط با جنس مخالف، تمایل به روابط متفاوت، عدم تمایل به قرارگیری در تعهدات متقابل
بازاندیشی بدن و اهمیت آن	اهمیت استایل و فرم زنانه بدن، وسواس به حفظ تناسب‌اندام، ارجحیت باشگاه برای حفظ اندام زنانه، عدم اهمیت سلامتی در ورزش و اولویت در ایجاد بدنی جذب‌کننده، تجرد و زمینه‌سازی بدن‌های مدرن و نمایشی
گزینش انزوا و تنهایی	عادت به تنهایی، افسردگی و ناتوانی در زندگی با دیگران، خو گرفتن به سکوت و عدم تحمل روال عادی زندگی، استرس‌های مداوم و ناشکیبایی، ترجیح عدم ارتباط و اولویت تنهایی

ادامه جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از داده‌ها

مقولات اصلی	مفاهیم
بی اعتمادی و بدبینی نسبت به مردان	عدم اعتماد به پسران مجرد، تنوع خواهی مردان و ایجاد نگرش منفی، پیمان شکنی و عدم تعهد
تهران و آرمان شهر مجردان	تهران شهر تنوع زیستی، فرهنگ متنکثر شهری، تنوع خرده فرهنگ‌های جوانان، پذیرا بودن در مجرد زیستی، جمعیت بالای مجردان در تهران، وجود مراکز خرید فراوان، جو شهری مدرن، وفور امکانات فرهنگی و تفریحی، ترویج مدگرایی، ناشناختگی روابط و غریبه‌های روابط ساز
ترس از شکست و طلاق	خاطرات تلخ دیگران مهم از طلاق، بالا رفتن آمار طلاق و تأثیر بعد روانی، ترس از عواقب پس از طلاق

شرایط علی

ترجیح رهایی و آزادی

فرایندهای اشاعه فرهنگ جهانی شده مدرن تغییراتی را در ذهنیت جوانان نسبت به زندگی ایجاد نموده است. ماهیت ارزش‌های جمع‌گرایانه را به چالش کشیده و با تأکید بر آزادی‌های شخصی به دنبال گسترش حس آزادی و رهایی او است. همان‌طور که گیدنز (۱۳۷۷) فرض بازاندیشی درباره همه‌چیز را در جامعه مدرن بدیهی می‌انگارد و معتقد به افزایش آزادی‌ها و انتخاب‌های فردی در جامعه مدرن است. شبنم ۲۹ ساله دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد شیمی و شاغل در کارخانه تولیدکننده مواد شوینده است. او از عدم رضایت محدودیت در خانواده و عدم لذت بردن در جمع‌های خانوادگی سخن می‌گوید و به دنبال مجردزیستی بوده تا بتواند آزادانه رفتار کند:

«با خانواده حتی مسافرت رفتن هم به من حال نمی‌داد، نمی‌تونم لباس راحت بپوشی، همیشه موزیک دلخواهت رو گوش بادی توی ماشین، فازشون با ماها فرق داره و روی اعصابند دیگه، دست خودشون هم نیست. یکی از علائقم اینه که با دوستانم برم شمال بتونم راحت سرم را از شیشه ماشین بدم بیرون، داد بزنم، بخندم راحت، دلگه بازی درآرم. درسته سختم میشه تنهایی زندگی کردن الانم؛ ولی خب راضیم از تنهایی زندگی کردنم».

نادیا ۲۸ ساله دیپلم دارد. ظاهر او کاملاً مدرن بوده و به اذعان خودش با مد مشکلی نداشته و پوشیدن لباس‌های مد روز را دوست دارد. او از طریق صفحه مجازی (پیج) شخصی‌اش در شبکه اجتماعی اینستاگرام کسب درآمد می‌کند، به تنهایی در خانه مستقل زندگی کرده و دلیل مجرد ماندن خود را عدم تمایل پاسخ‌دهی به دیگران و حفظ آزادی فردی می‌داند:

«همین که به کسی باید پاسخ‌گو باشم بدم میاد، آدم خاصی هستم، بدم میاد کسی خونه نگرانم شه. همین نگرانی هم من رو و ذهنم رو درگیر می‌کنه و آزادیم رو ازم می‌گیره. از نظر دادن و دخالت کردن کسی تو زندگیم حالم بهم می‌خوره».

از مفاهیم مورد تأکید در مصاحبه‌های دختران مشارکت‌کننده، لذت بردن از آزادی‌های به ظاهر کوچک و کم اهمیت است. ندا ۲۷ ساله و دستیار دندان پزشکی است. او معتقد است برخی آزادی‌های مجردی‌اش اگرچه شاید در ظاهر کوچک باشد اما برای او اهمیت بسیار دارد:

«بین شرایط ما به شکلیه که وقتی شوهر کنی، دستت میره زیر سنگ شوهرت و آزادیت رو به اون معنا نداری. مجردی نه رخت کسی رو می‌شوری. هر وقت بخوای میای خونت دلت خواست میری بیرون، کسی نیست بهت گیر بده کجایی چیکار می‌کنی. پول در می‌آورم خودم هر جور بخوام هم خرجش می‌کنم. راستش رو بخواین تعهد دادن می‌ترسونه من رو».

معصومه ۴۰ ساله با تحصیلات دکتری، نویسنده و شاعر، نیز نظری مشابه با ندا دارد.

«خودم کار می‌کنم، درآمد رو دارم. خونه و زندگیم رو هم دارم. نمی‌خوام کسی باشه اذیتم کنه، امر و نهی کنه، دوست ندارم کسی بیاد که بگه چرا فلان آقای نویسنده رو ملاقات کردی، باهاش حرف زدی، یا مثلاً آدمی باشه که بهت بگه این و اون و ر که میری قبلش باید بهم بگی. بخواد آزادیم رو بگیره اصلاً فکرش نمی‌تونم کنم. با مجردا گشتن حال می‌ده. متاهلا فازشون فرق می‌کنه، اختیارشون دست خودشون نیست».

نازنین ۲۷ ساله از عدم تقبل مسئولیت و رهایی از محدودیت‌ها اینگونه شرح می‌دهد:

«نمی‌خوام مجبور باشم کار خونه رو انجام بدم. تا دلت بخوهد از این دخترا زیاد شدن و فقط من تنها اینجوری نیستم. شبها باور کنید گاهی تا ۴ یا ۵ صبح بیدارم با اینکه خوابم میاد. میرم تو اینستا به قدری کیلیپ و عکس می‌گذاره تا بخوای به همشون برسی صبح شده. هیچی دیگه شاخ‌های اینستا رو چک می‌کنم، مجردی دیگه اینجوری میشه زندگی کنی ولی متاهل شی عمراً».

بدین ترتیب می‌توان اینگونه تبیین نمود، خودهایی که جامعه مدرن از جوانان می‌سازد آنان را به سمت سوژه‌هایی با خواسته‌های متکثر و محدودیت‌گریز هدایت می‌کند. گرایش‌هایی که نقطه مقابل تشکیل خانواده و تکثیر گرایش‌های فردگرایانه است. به نظر می‌رسد هویت استقلال طلبانه دختران در شهر تهران بر ماهیت ناپیوسته و بی‌ثبات تجربه‌های متنوع و فردگرایانه تأکید دارد. این افراد در مورد شیوه زندگی و درباره نقش اجتماعی‌شان حساس‌تر، مستقل‌تر و علاقه‌مندتر شده و توجه ویژه‌ای به امر رهایی از برخی هنجارها در زندگی شخصی خود دارند.

حداکثر سازی منفعت و فردمحوری

اضمحلال زندگی گروهی، فرسایش همبستگی‌های اجتماعی و کم‌رنگ شدن سرمایه اجتماعی زندگی جمع‌گرایانه افراد به‌ویژه جوانان را در جامعه معاصر دچار چالش نموده است. همان‌گونه که ریچارد سنت از بزرگترین جامعه‌شناسان ناقد جامعه سرمایه‌داری ابراز می‌کند سرمایه‌داری صنعتی و روند دنیوی شدن امور انسان معاصر را بیش از هر چیزی به خود او واگذار کرده و او را به فردیت مطلق هدایت می‌کند. ریچارد سنت نه تنها از ویرانی زندگی عمومی انتقاد می‌کند بلکه درنهایت نگران روابط شخصی و صمیمی افراد نیز هست. او به نقد فرهنگ ترویج‌دهنده روابط ناشناخته می‌پردازد و معتقد است این فردگرایی زندگی افراد را تهدید می‌کند (کسلر، ۱۳۹۴: ۳۳۸). به نظر می‌رسد پای فردگرایی به زندگی جوانان ایرانی نیز باز شده است. سیمین ۳۰ ساله از اهمیت پول در زندگی خود می‌گوید و معتقد است منابع و درآمد مالی در زندگی برای او ارجحیت دارد:

«چه بخوای چه نخوای تو این زمونه حرف اول و آخر و پول می‌زنه. چرا دروغ بگم پول رو به عشق و این حرفا ترجیح میدم. آرزوم ثروتمند شدنه. تمرکز روی اینه و باید بتونم ماشینینی که می‌خوام بخرم یعنی شاسی بلند رو بخرم. سفرای خارجیم رو برم. مطمئناً بهشون می‌رسم».

ندا نیز سی سال سن دارد و فروشنده لباس است. او از وضعیت درآمد خود با ابراز رضایت سخن می‌گفت و از محوریت علاقه و منافع شخصی خود اینگونه سخن می‌گوید:

«از بچگی وارد بازار شدم. دستم تو جیب خودمه بوده، رو پای خودم ایستادم، پول یک ماه به کارمند رو به روزه با همین بوتیک در می‌آورم. چیزی که بهم حال بده رو امتحان می‌کنم

و مهم نیست بقیه چه قضاوتی می‌کنن. نمی‌خوام کنترل زندگیم رو از دست بدم و بدمش دست شوهر. به کسی احتیاج ندارم و خودم از عهده کارام برمیام».

شیما ۲۷ ساله از لذت بردن به‌عنوان یک اصل در علایق زندگی خود سخن می‌گوید. او در حین مصاحبه سیگار می‌کشید و این را برای خود نوعی گذران اوقات توأم با لذت می‌دانست:

لذت بردن از زندگی شیوه زندگیمه، سعی می‌کنم برای اینکه خانوادم نارحت نشن ندونن چیکار می‌کنم ولی اونجوری که دلم می‌خواد می‌گذروم، به کسی چه ربطی داره با بدنم (در اینجا به معنی سلامتی بدن) چیکار می‌کنم. دوس دارم سیگار بکشم حالا که خوبه، قبلا روزی به پاکت می‌کشیدم.

سوگند از تمامیت‌خواهی و حفظ خواسته‌های خود می‌گوید:

«هیشکی حق این رو نداره به حریم خصوصیم وارد شه و یا نظری بده. این زندگی شماسه و تماماً تو دست‌های خودته. خونه خودم گاهی با دوستان جمع می‌شیم و خوش گذرونی می‌کنیم. هر لحظه اراده کنم میرم شمال. نقش بازی نمی‌کنم برا هیشکی. احساس می‌کنم باید به خیلی چیزها برسم و بهتر زندگی کنم. تکرار خستم می‌کنه و دنبال تجربه جدیدم. دنبال رسیدن بهشون هستم و کاری رو انجام میدم که منو راضی کنه. برام اونقدر مهم نیست بقیه و افکارشون. پول که داشته باشی بقیه مجبورن احترامه رو بهت بزارن».

زمانی که از مشارکت‌کنندگان در رابطه با ارزش فرزند و نگاهشان به فرزند آوری در صورت ازدواج سؤال پرسیده شد، نگاه خودمحوری و عدم تقبل مسئولیت و ایثار در پاسخ‌ها خودنمایی می‌کند:

«منکه آدمی نیستم بخوام بچه دار شم لنگه مادرامون فقط دنبال ایثار کردن باشم. اون بیچاره‌ها از زندگی چی فهمیدن غصه این رو بخور، غصه اونو بخور».

سمانه ۴۰ ساله نیز در رابطه با فرزند آوری اینگونه نظر می‌دهد:

«بچه دوست دارم اما بچه‌های مردم باشه. برای خودم نه چون دست و پاگیر به نظرم. حال خودم رو ندارم یکی باید باشه من و جمع جور کنه. این دوره زمونه کی هزینه داره براشون کنه باید از زندگی خودتم بزنی بازم کم میاد».

در رابطه با فردگرایی برخی دختران مجرد می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که احساس تمایل به تنهایی، جایگزینی برای همبستگی جمعی آنان شده است. در این حالت منافع فردی، تمایلات لذت طلبانه، عدم تقبل مسئولیت و منافع مادی پیوندی اجتماعی بین افراد بر اساس فردیت

برقرار کرده است. قشری از دختران مجرد در شهر تهران در شیوه‌های زندگی خود بی‌خیال‌تر و سرسری‌تر به زندگی پرداخته و این نوع از زیست دروازه‌ای برایشان ساخته که به سمت آزادی شخصی هر چه بیشتری حرکت کنند.

گذران اوقات فراغت به شکل‌های مدرن

مفهوم گذران اوقات فراغت در میان جوانان نشان‌دهنده‌ی تغییر خود و هویت‌هایی است که تحت تأثیر مدرنیته، متعاقباً مصرف‌گرایی‌های نمایشی، احساس نیاز در مصرف لذت‌های متنوع و درنهایت حذف خودهای هنجارمند از زندگی اجتماعی است. امیالی پراکنده و تنوع خواه که بر ماهیت ناپیوسته و بی‌ثبات تجربه تأکید می‌کند. زهره از پرسه‌زنی‌ها و تفریحاتش با دوستان خود می‌گوید:

«فانتزیم اینه که شبا البته با بچه‌ها تنهایی می‌ترسم بریم پیاده روی. آره دیگه پیاده روی بدون هیچ قصد و نیتی فقط همین که راه بری و بگردی، سیگاری بکشی. آخرشم بیای خونت لش کنی تا وقتی خوابت ببره. یه حالیه که تا انجامش ندی نمی‌فهمی چی میگم».

سارا ۳۱ ساله از تفریحاتی می‌گوید که معتقد است در صورت تأهل نمی‌تواند به راحتی به آن

پردازد:

«خوش‌گذرونی ما اینطوریه که همیشه باکسی مثل شوهر انجامش داد. سیگار می‌کشم و با بچه‌ها چت می‌کنم. آهنگ گوش می‌دهم. فرصت شناخت پسرهای زیادی رو دارم و هر زمانم دلم خواست میرم تو لاک تنهایی خودم. شاید اینجوری بهتره بگم می‌خوام هر چیزی تست کنم، این موضوع جدابه که هر چیزی بهم خوشی میده رو امتحان کنم».

ندا ۳۰ ساله از دنیای متحرک و عدم ایستایی زندگی خود بحث کرده و معتقد است تأهل

مانعی بر این نوع زندگی و گذران اوقات فراغتش است:

«دنیام متحرکه، ایست نداره. مرگم اینه بخوام تکراری و روتین رو یک خط راه برم. همه کاری می‌کنم واسه خودم، چیزایی که فکرشم نمی‌تونم کنی. پرواز می‌کنم (پالاگلاپدر) اسکی میرم. نوازندگی دارم تو برنامه. این شکل زندگی رو به هیچ عنوان نمی‌خوام باکسی تقسیمش کنم. عاشق خوابیدن تو صحرا و بیابونم. زمستون‌ها کویر نوردی می‌کنم. ما کمپ مخصوص خودمون داریم و کلی رفیق دارم که دلم بهشون خوشه. مجهز سفر می‌کنیم و آفرود سواری می‌کنم. کدوم آدم عاقلی با کسی که زندگیش این شکلی هست که میاد که بگیرتش».

نظر گیسو نیز نشان از تنوع در سپری کردن اوقات فراغت در میان دختران مجرد دارد: «عموماً گروهی می‌ریم سفر، می‌ریم کوه‌نوردی. بله تو گروه پسریم هست و این حرفا بین ما نیست. راحتیم جمع خودمون رو داریم. من متاهل شم مسلماً این جمع رو ندارم. خودمم جای اون باشم، نمی‌گذارم زخم تو همچین جمع‌هایی بره. حق داره».

نگار ۲۷ ساله از مصرف نمایشی و لذت بردن از این موضوع به‌عنوان یک زمینه تفریحی صحبت می‌کند. او که با سبک پوششی خاص، مصرف را برای خود تفریح می‌دانست: «از بچگی جلب‌توجه دوست داشتم. لباس پوشیدن و لوکس گشتن لازمه تا بتونی جلب‌توجه کنی. مهمه برام که گوشی آیفون داشته باشم، اپل واچ دستم کنم. کیف مارک و کفش نایکی، ادکلن همشون به پکن برای اینکه تو لاکچری محسوب شی. تفریحشم اینه که از خریدات پست بگذاری اینستا خود به خود فالوور میان سراغت».

نظرات دنیا نیز بازنمایی از گذران اوقات فراغت برای نمایش آن در فضای مجازی و نمایش این سبک زندگی است:

«الان مده دیگه فیلم‌هایی که رفتی رو باید بگذاری، خودت رو نشون بدی. استوری یا پستایی که میزاری باید توچال باشه یا جنگل گیسوم یا کیش و قشم. بالاخره امکان نداره اینستا داشته باشی و عکس از جاهای لاکچری و دیدنی شیر نکنی. وقتی از اونجاها عکس می‌گذاری مبینن نه بابا خیلی کارت درسته».

سفر به خارج از کشور و کافه‌گردی نیز از تفریحاتی است که برخی جوانان مجرد با انگیزه آنان از تأهل دوری کرده و مجردزیستی را اختیار می‌کنند:

«کافه، هر چی کافه معروفه تو تهران رو من رفتم. دنیای کافه، دنیاییه که نمی‌تونن به سادگی بگی چیه! دوستایی که الان دارم تو اونجا پیدا کردم. سیگار کم کردم ولی کافه که می‌رم مطلبه دیگه نمی‌تونن با بچه‌ها تو کافه باشی سیگار نکشی بد مجلسی میشه».

«کافی شاپ از وقتی یادم میاد اهل کافه بودم. تنهایی، با دوستانم، با خانواده با داداشم رفتم کافه فکرشو کن. کافه برا هر کی معنایی داره این رو اونایی که کافه برو هستن می‌فهمنش، کافه بهت گاهی حس غم قشنگی میده، به وقت‌هایی حس کتاب خوندن و مطالعه، مثلاً کافه تو انقلاب که بری خود به خود سیگار و کتاب و به دبل اسپرسو میاد وسط. فضاش و بچه‌هایی که می‌شینن، حرفت میاد و حرف می‌زنی مدام تا آروم میشی».

«ترکیه یه چیز میگم یه چیزی می شنوی. انگار اونجا ایرانه، ترکیه نیست که. همه چیز براهه برات. رستوران ایرانی. تا مجردی میشه از این سفر رفت دیگه متاهل شی که همیشه پاشی بری با دوستات خوش گذرونی ترکیه».

اوقات فراغت به معنای حاکمیت تمایلات لذت طلبانه و خوش گذرانی است. گذران اوقات فراغت به معنا و فرم‌های جدیدش، نوعی شرایط را طلب می‌کند که مجردزیستی پایه ثابت شرایط آن به نظر می‌رسد. سبکی از گذران اوقات فراغت که با مجرد بودن عجین شده و این خود ترکیبی از اندیشه و عمل را در ایجاد سبک زندگی جدید فراهم می‌کند.

شرایط ایجابی مشاغل جدید و مجازی

بخشی از عوامل مهم در ایجاد زمینه‌های تجرد زیستی مشاغلی است که حاصل جهان مدرن و هویت‌های کاری جدید است. فضای مجازی و شرایط فعالیت‌های اقتصادی در آن به گونه‌ای معرفی شده که جوان معاصر گمان می‌برد با انتخاب تجرد زیستی می‌تواند شرایط کاری بهتری را برای خود خلق کند. از نقدهای مهمی که به فضای مجازی در حوزه مشاغل مطرح می‌شود فردیت‌زدگی و شخصی‌سازی‌های این فضا است که می‌توان به‌وضوح در نظر مشارکت‌کنندگان به این موضوع پی برد. شبنم ۳۰ ساله شاغل در بخش تبلیغات فضای مجازی به‌ویژه در شبکه اجتماعی اینستاگرام است. او از درآمد بالای تبلیغات و شرایط کاری‌اش اینگونه سخن می‌گوید:

«به واسطه شناخت و ضریب زیاد دنبال کننده‌هام (فالور) تو اینستا از جاهای مختلفی بهم پیشنهاد تبلیغات داده می‌شه، حتی شده بازیگرها هم برای معرفی خودشون ازم تبلیغات خواستن. بازار رستوران‌ها و فست فودی‌ها خیلی داغه تو کارم. رستورانی که تو ستارخان هفته‌ای چندین میلیون دخل میزنه از خدائشه یکی مثل من تو کانالم تبلیغش رو کنم».

سمیرا و حدیث مباحثی را در رابطه با فعالیت در فضای مجازی دختران و دوستانشان می‌گویند و معتقدند به دلیل مجرد بودن و فعالیتشان در اینستاگرام توانسته‌اند درآمد کسب کنند:

«فضای اینستا این طوریه که آدم رو از فکر ازدواج بیرون میکشه، مثلاً کار بخوای کنی تو این فضا، حالا من که کار نمی‌کنم ولی دوستم لباس فروشی داره و طرح‌ها رو می‌گذاره اینستا، بعضی موقع‌ها عکس خودش رو پست می‌کنه با لباس‌ها، خب مردهای زیادی نیستن که بخوان بیا سراغ همچین دخترایی یا اگر بیان تضمینی نیست که اجازه بدن کسی مثل دوستم

به کارش ادامه بده، از این ورم طبیعی کسی که به عمر زحمت کشیده واسه کارش به راحتی رها نکنه».

«شاخ‌های اینستا رو می‌بینم که چقدر پول در میارن از تبلیغات، یارو هیچ هنری نداشته با ادا بازی فالوور جمع کرده درآمدشم داره. آینده پولی انگار تو گوشه‌ی تامین میشه. خیلی‌ها هستن میرن تو رخت خواب در عرض دو ساعت از تبلیغات اینستا پول هنگفتی می‌زنن به جیب. ارتباطش با مجرد بودن واضحه دیگه اکثر فعالیت‌ها لایو اینستا آخر شبا هست. تو متاهل باشی می‌تونی ساعت ۳ شب برای فالوورات لایو بزاری؟».

ندا ۲۷ ساله که دستیار دندان پزشک است معتقد است که برخی مشاغل صرفاً به شرط مجرد بودن نیروی کار جذب می‌کنند و این خود عاملی است برای مجرد باقی ماندن افراد:

«یکی از شروط اصلی پزشکی که کار می‌کنم واسش اینه که مجرد باشم، کافیه نگاه بندازی به اطلاعاتیه‌های جذب نیرو کار متوجه میشی اکثراً دنبال خانوم مجردن».

به نظر می‌رسد تبلیغات و رسانه‌های مجازی در عصر ما رشد فزاینده‌ای در زندگی شخصی و کاری جوانان داشته‌اند. هر رسانه و تصویر اجتماعی از شرایط زیستی جدید را بر جوانان تحمیل کرده و منطقی فردی را بر آنان دیکته می‌کند.

سیالیت روابط با دیگرانی مهم

با تغییرات حاصل از فرهنگ غربی روابط جوانان به‌ویژه در میان مجردان دچار تنوع و کثرت شده است. افرادی که با امیال و زیست‌جهانی جدید به دنبال تنوع برای رسیدن به حداکثر لذت هستند. تصادفی بودن، غیر قطعیت و عدم آینده‌بینی در روابط ساختاری شکننده و بی‌تعهد برایشان ایجاد نموده است. ندا ۲۷ ساله دستیار دندان‌پزشک است. او اذعان دارد که درآمد به نسبت خوبی داشته و در تهران مستقل و تنها زندگی می‌کند. از روابط خود در طی چند سال صحبت کرده و از تجربیات خود می‌گوید:

«بله درمجموع با چهار پسر در زمان‌های مختلف رابطه داشتم. راضی‌ام. ببینید هر دوستی و هر رابطه جدیدی که شروع می‌کنید چیزهایی رو به شما یاد میده و تجربه پیدا میکنی».

نازنین ۲۷ سال سن داشته و آرایشگر است. او لیسانس معماری داشته ولی از درآمد خود در آرایشگری راضی است. معتقد است آرایش و ظاهر به قدری مهم شده که جزو نیازهای مهم زندگی برای زنان است. نازنین از داشتن رابطه بدون تعهد می‌گوید:

«خیلی واسم جنابه تجربه کنم زندگی بدون تعهد و ازدواج رو. اینکه تا دیدی آبت با طرف تو یک جوب نمیره جدایی بی دردسر. این شانس رو دارم با کسی باشم که سختم نباشه و بدون ترس وارد رابطه‌ای بشم که خودم می‌خوام تا طرف بتونه عیار واقعیش رو مشخص کنه».

هائیه ۲۷ ساله نیز از بی‌دغدغه و بدون محدودیت بودن روابط مجازی می‌گوید:

«یک ذره با اخلاقی حال نکنم سریع بلاکش می‌کنم یا از اینستا آنفالوش کردم رفته پی کارش. فعلا پارتنرم رو دارم و از رابطه‌م راضی‌ام، ولی اینکه بگم ادای عاشقی این چیزا رو در می‌آورم نه)). تجربه روابط در میان دختران مجرد زمینه ساز تمایل به روابطی است که در آن بی‌دغدغه و بی‌مسئولیت بودن در الویت است. این موضوع به مراتب می‌تواند تشویق کننده آنان در انتخاب این سبک از زندگی باشد».

شرایط زمینه‌ای

خانه مجردی، زمینه‌های مدرن زیست جهان

سکونت در خانه‌های مستقل از خانواده، مجرد زیستی و خصوصی شدن زندگی جوانان به ویژه دختران مجرد فضایی مفهومی و زیست جهانی جدید را برایشان خلق کرده است. زیست جهانی که با غوطه‌وری در آن در هر ثانیه از شرایط تشکیل خانواده دورشان ساخته و آنان را بازندگی جدید عجیب می‌کند. سهیلا ۳۰ ساله، ۷ سال است که از خانواده‌اش که در کرج زندگی می‌کنند جدا شده و در تهران به‌صورت مستقل در خانه اجاره‌ای زندگی می‌کند. داشتن خانه مستقل برای او حاوی تجربیات متنوعی است که او این‌گونه بازگویی می‌کند:

«تا خونه نگرفتم استقلال رو حس نکردم با اینکه از قبلش من درآمد خودم رو داشتم. خونه رو که گرفتم شکل زندگیم تغییر کرد دیگه میشد خیلی راحت دوستانم رو بیارم خونه و پیشم تا صبح بمونن. راستش قبل گرفتن خونه سیگاری نبودم تنها که شدم سیگارم شروع شد. فاز خونه فاز خوش گذرونیه انصافا. هم خوابم دست خودمه کی بخوابم و کی بیدار شم، هم اینکه کسی نیست زودتر من باشه با سر صدا منو بیدارم کنه».

به نظر می‌رسد با تجربه داشتن خانه مستقل راه خروج از مجرد برای دختران به‌مراتب دشوارتر و انگیزه ادامه زندگی در این حالت بیشتر می‌شود. هنگامه ۴۰ ساله این‌گونه شرایط داشتن خانه شخصی را شرح می‌دهد:

«برای من یکی، خونه از همه جای دیدنی شهر بهتره. فیلم می‌بینم. جمع دوستانم رو دارم، کارام رو می‌کنم و کسی نیست که بخوام تایم رو باهاش تنظیم کنم، هیچ وقتم حاضر نیستم خونه‌ام رو با کسی تقسیم کنم. حالا هر کی می‌خواد باشه»

سمیرا ۲۷ ساله از شرایط داشتن خانه مستقل و نحوه زندگی می‌گوید:

«داشتن خونه، زندگی کردن فقط فقط برای خودته. چار دیواری خونه ممکنه کوچیک باشه ولی وقتی واسه خودته بزرگ‌تر از به قصرم می‌تونه باشه. یه مُشک روشن کن، موزیکت رو پخش کن. خونه مجردی واسه دختری مثل من که خونه خودمون بودم یه هفته طاقت نیاوردم، سراسر آرامشه. دلم بخواد ساعت سه عصر صبحونم رو می‌خورم. شام ۲ نصف شب».

خانه و تنهایی زندگی کردن در نقطه‌ای مشترک به هم می‌رسند؛ آن نقطه ایجاد انگیزه‌هایی جدید به منظور نوعی از زیست اجتماعی است که قبل از آن هرگز برایشان قابل تجربه و درک نبوده است. مجموعه‌ای از تجربیات که زمینه‌ساز دوری گروهی از دختران مجرد از تشکیل خانواده و ازدواج می‌شود. سبکی از زندگی و شرایطی زمینه‌ساز به منظور لذت طلبی و دوری از هنجارهای خانوادگی و حتی اجتماعی، از دختران ساکن در منازل شخصی افرادی با انگیزه‌ها و تمایلات جدید ساخته که کمتر ارتباطی با انگیزه‌های زندگی در جهان پیشامدرن دارد.

تهران و آرمانشهر مجردان

با نگاهی اجمالی به نظر مشارکت‌کنندگان در رابطه با تهران و زیست شهری در آن می‌توان به این جمله زیمیل تأمل کرد «شهر موجودیتی جامعه‌شناختی است که بعد مکانی دارد» (کلارک، ۱۳۹۶: ۱۸). مطلب بالا پر از طنین این واقعیت است که شهر هرگز محملی بی‌طرف از فرایندهای اجتماعی نیست. دقیقاً در همین جاست که پیوندی ناگسستنی ما بین شهر تهران و زیست‌جهان مجردان برقرار می‌شود. سونیا ۲۸ ساله طراح لباس است. او از جمعیت بالای مجردان در تهران و عادی بودن تجرد زیستی در این شهر می‌گوید. همچنین معتقد است در تهران می‌تواند سبک زندگی دلخواه خود را داشته باشد:

«خوبی تهران واسه منه مجرد اینه اگر اینجا تویی که دوسش دارم رو بزمن، خیلی تو چشم نیستم. مثل من خیلی‌ها لباس می‌پوشن و بهم خورده نمی‌گیره کسی. الانم تنها عضو مجرد آپارتمانمون نیستم. از ۱۲ واحد آپارتمان، ۷ واحد مجرد می‌شینن. تو تهران می‌تونی بری تئاتر، سینما و خیلی چیزای دیگه که واسه من مهمه شاید از دید بقیه مهم نباشه».

نسترن ۳۰ ساله حدوداً از ۱۰ سال قبل در تهران ساکن است. او از امکانات تهران و راحتی زندگی در آن می‌گوید:

«تهران از نظر شخصیم برای ماهایی که می‌خوایم رو پای خودمون وایسیم و کار کنیم؛ و کسی هم کاری به کارمون نداشته باشه اوکی هست. خودم هستم و نقش بازی نمی‌کنم. باشگام رو دارم. بهترین رستوران‌ها، لباس فروشی‌ها، مرکز خرید با تنوع بالا، دیگه حتی فکر برگشتن به اصفهانم برام سخته».

ندا از فرهنگ شهری و غربیگی در این شهر می‌گوید:

«صد در درصد تهران تنها شهریه که تو می‌تونی یکمی خودت باشی، مردم سرشون تو زندگی خودشون، در واقع وقت سرک کشیدن ندارن. شرایطی داری مثلاً همین میدون انقلاب بعد کتاب فروشی‌ها اسمش یادم نیست چی بود کافه‌ای بود تیرپ خفن‌ها می‌اومدن اونجا پاتوقشون بود، پسر دخترهای جاز (گروه موسیقی) که پیش خودت می‌گفتی اینجا ایرانه!»

همچنین او در مورد گروه‌های مختلف در شهر تهران و تجربه روابط متنوع سخن می‌گوید:

«تهران پر از آدمای جور واجور که نمی‌شناسیشون ولی این فرصت رو داری که بشناسی؛ مثلاً کانالی هست اینستا دوشش دارم، گروه تهران گردی که می‌ریم بافت قدیمی با هم یا می‌شینیم بازی گروهی می‌کنیم تو کافه‌های سنتی؛ مثلاً بخوام بهتون بگم شروع می‌کنیم پیاده روی از سر میدون فردوسی تا چارراه استانبول».

زندگی در شهر مدرن تهران با در هم رفتن سریع تصاویر در حال تغییر و با محرک‌های ناگهانی و غیرمنتظره بی‌شمار، فرصت‌های جدید متنوعی را برای جوانان در عرصه انتخاب نوع زندگی فراهم می‌کند. این قضیه باعث به وجود آمدن و ظهور مناسبات اجتماعی جدید در میان جوانان می‌شود که منشأ آن شهر تهران است. زندگی در شهر تهران شیوه‌ای جدید از گذران اوقات فراغت خلق کرده است. در تهران با خیل عظیم جوانانی روبرو هستیم که پرسه‌زنی را به شکلی عیان می‌توان در آن‌ها مشاهده نمود. تفریحات دور و دور و تنوع خواهی تمام‌عیار که طی آن همه‌چیز را به صورت مقطعی و گذرا تجربه می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که برای گروهی از دختران مجرد تهرانی، عصر اوقات فراغت، عصر لذت طلبی، تنوع‌طلبی، مصرف‌گرایی و دعوت به کافه نشینی است که دیگر یک انتخاب نیست و گویا تبدیل به وظیفه ارادی شده است. ظهور نوعی فرهنگ لادری‌گری که به واسطه شخصیت لذت‌گرا عمومیت یافته

است. تهران به‌عنوان شهری مدرن فضای ایده‌آل برای پذیرش سبک‌های زندگی و گذران اوقات فراغت متفاوت در زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت است.

شرایط مداخله‌گر

بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به مردان

تجربه روابط با جنس مخالف و افسوس‌زدایی از این روابط به نگاهی منفی توأم با بی‌اعتمادی نسبت به مردان منجر می‌شود. به این معنا که با کنار رفتن فضای اروتیک، لذت‌جویی و آشنایی با ماهیت رابطه، برخی دختران مجرد نسبت به مردان بی‌اعتماد می‌شوند. سمیرا ۲۷ ساله که تجربه چندین سفر به ترکیه را دارد از بی‌اعتمادی خود به مردان می‌گوید:

«بخشید! آقایون به قدری گند زدن به اعتمادمون که رابطه باهاشون مثل گوشه‌گیری بی‌آنتن می‌مونه، همیشه ازشون استفاده کرد و فقط به درد سرگرمی می‌خورن، جالب اینجاست که همون کسانی که خیلی بی‌قید و بند هستند و خنجر هر چیزی رو درآوردن، انسانی‌ترین پست‌ها و تکست‌ها (متن‌های منتشرش در فضای مجازی) رو پستش می‌کنند اینستا».

دنیا ۳۰ ساله کارمند بخش روابط عمومی است. او از تجربه تلخ خود با پسری می‌گوید که به او قول ازدواج داده و در نهایت رابطه‌شان تمام شده است.

«می‌دوننی چیه، یک بار که با یکی دوست شدم، همه احساس و زمانت رو گذاشتی واسش و اون عین آب خوردن تا چشمش یکی دیگه رو گرفت و لت کرد؛ دیگه برات همه پسرها می‌میرن. بهم شعار می‌داد که من ال می‌کنم، بل می‌کنم حتی نفهمیدم کی من رو به دوست دختر جدیدش فروخت. پسر اکثراً همین؛ به مدت باهات باشن دلشون میزنه. دیگه نمی‌تونم وارد رابطه دیگه‌ای بشم و شکست بخورم. نمی‌رم سمت این چیزا».

ندا ۲۷ ساله از خیانت و بی‌اعتمادی بر اساس تجربه و روابط خود می‌گوید:

«پسرها ضعف دختر دارن و تنوع طلبن تا دختر نازشون بکشه سریع دل می‌بازن و می‌فهمن که بهشون علاقه پیدا کرده دختره، عقده‌ای میشن خرابش می‌کنن احساسات رو. اینجوری میشه که به همشون بی‌اعتماد میشی. طرف دنبال اینه ببینه چقدر برایش نفع داری وقتی هم به این نتیجه رسید که نفعی نداری و لت می‌کنه».

تنوع در تجربه با جنس مخالف، آگاهی نسبت به تجربیات دیگران، شکست در روابط اگرچه شاید در زیر مقوله عوامل اصلی تجرد زیستی قرار نگیرد اما می‌تواند در تصمیم‌گیری

آنان برای تشکیل خانواده مداخله کند. مداخله‌ای از جنس بدبینی و بی اعتمادی که ارتباط مستقیمی در تشکیل و یا اراده به تشکیل خانواده در میان دختران مجرد داشته باشد.

استراتژی‌ها

بازاندیشی بدن و اهمیت آن

همان‌گونه که گیدنز در رابطه با بازاندیشی بدن می‌گوید که توجه به بدن در دنیای مدرن جستجوی هویتی جدید است (لوپز و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵۷) به نظر می‌رسد باشگاه رفتن برای حفظ استایل زنانه، رژیم‌های طلاق فرسا و نمایش تناسب‌اندام، تبدیل به تفکری غالب و نیازی مبرم برای دختران مجرد شده است. نسترن ۳۰ سال سن دارد و مربی باشگاه ورزشی در شمال شهر تهران است. او دارنده‌ی مدرک دکتری تربیت‌بدنی بوده و از دغدغه دختران جهت تناسب‌اندام سخن می‌گوید:

«فکر و ذکر دختر خانوم‌هایی که می‌آیند باشگاه، این شده که مخصوصاً آقایون از هیکلشون ایراد بگیرند. بیشتر دنبال فرم دادن بدنشون هستند و روی اندامشون کار می‌کنند. کمن خانوم‌هایی که دنبال سلامتی هستن و ورزش می‌کنن به این دلیل که سالم بمونن».

ساناز ۳۰ ساله با کسب در آمد از فضای مجازی و اهمیت تناسب‌اندام می‌گوید:

«واسه من بدنم حکم جونم رو داره. وای حرف چاقی رو میزنی دیوونه میشم. همیشه ترس چاق شدن داشتم از بچگی. بارها شده تو خونم می‌ایستم جلو آینه و نگاه هیکلم می‌کنم و از دیدنش لذت می‌برم. توی دنیای که هستیم این روزها مخصوصاً اینستاگرام یه ذره چاق باشی کسی نگاتم نمی‌اندازه، مسخرت می‌کنن».

ندا ۳۰ ساله از وسواس چاقی و عدم تمایل به ازدواج و فرزندآوری به دلیل نامناسب شدن هیکل خود می‌گوید:

«ترس دارم شدید از چاقی. شما بگو حتی یک کیلو چاق شم حرفش هم بد می‌کنه حالم رو. همین که بچه دار شی، بعد زایمان برو پپرس از زنا چه بلایی سرشون اومده. بعد زایمان بدبختی باید بکشی تا هیکلت برگرده مثل سابق، یا باید عملش کنی یا اینکه خودت رو بکشی با ورزش».

در جهان مدرن، بدن ارزشی بیش‌ازپیش کسب کرده و تبدیل به بخشی مهم از ذهنیت و استراتژی انتخاب در زندگی افراد گشته است. نظام سرمایه‌داری با ایجاد نمایش خودهای

فیزیکی خاص، نوعی از فرم بدن را ارائه نموده تا بر مصرف بدن و اهمیت آن تأکید کند. تأکیدی از جنس بازان‌دیشی ارزش‌ها و فرم دهی به بدن انسان‌ها. جامعه دختران مجرد در ایران نیز از این قاعده همسان‌ساز فرهنگی تأثیر پذیرفته و به نظر می‌رسد هر روز بر اهمیت و شدت تعلق خاطر به آن افزوده می‌شود.

پیامدها

انزوا و تنهایی

گسترش فردگرایی مدرن که موجب انفصال در زیست‌جهان سوژه‌ها، تنوع و ناهمگنی زندگی آنان شده؛ تجربه تجرد زیستی را برای جوانان به تکه‌پاره‌هایی از تنهایی و انزوا تبدیل نموده است. تجربه انزوا، تنهایی و اضطراب ناشی از آن پیامدهای تجرد زیستی می‌باشد. ندا ۲۷ ساله از انتخاب تنهایی و دل‌سردی از تجربه روابط گذشته خود با ناراحتی سخن می‌گفت:

«نمی‌دونم ایراد منه یا نه اما این رو می‌دونم حوصله آدمای اطرافم رو ندارم. بعضی شب‌آره خوابم نمی‌بره. پر استرس و فکرهای منفی می‌شم و از همه چی می‌ترسم. از اینکه مردی بیاد وارد زندگیم شه می‌ترسم. به این نتیجه رسیدم اگه آرامش می‌خوام، باید هم ارتباط رو هم توقعت رو از آدما قطع کنی.»

سمانه ۴۰ ساله و مدرس دانشگاه است. او گرچه تجرد را انتخاب خود می‌داند اما معتقد است از پیامدهای مهم گزینش تجرد زیستی دچار شدن به برخی حالات روحی است که او خود دلیلش را تنهایی و نداشتن شریکی در زندگی می‌داند:

«به لحاظ مالی، تمکن مالی کامل رو دارم. خونه، ماشین و حتی پرستیز؛ اما شما نیاز داری وقتی با ماشینت دور می‌زنی تو خیابون کسی کنارت باشه مثل یک تکیه‌گاه یا هم‌کلام. حتی از پنچری تایر ماشینم می‌ترسم چون کسی نیست کمکم کنه. بیشتر شب‌با فکر به آیندم که قرار تنها بمونم تپش قلب می‌گیرم، کم پیش میاد که راحت خوابم بره. فکرهای ناجور دیگه مثلاً اینکه می‌ترسم چیزیم شه تو خونه کسی نباشه منو برسونه درمانگاهی، شاید خندان‌تون بگیره ولی گاهی با روشن گذاشتن لامپ می‌خوابم می‌ترسم تاریک کنم خونه رو با اینکه سختم با نور بخوابم شب‌با.»

ناهید ۳۸ ساله از افسردگی و نداشتن حال خوش می‌گوید. او بارها در حین مصاحبه با ابراز

این جملات حال روحی خود را توصیف می‌کرد:

«شوهر غذا می‌خواد، حال خوش می‌خواد، دل شاد می‌خواد. کدومش رو دارم. فوقش جمعه بخوام وقتی آزاد کنم که اونم فقط می‌خوام بخوابم مزاحم نباشه دور و برم. اتاق تاریک و راحت بخابم. پیش آمده که جمعه تا عصر از رخت خواب بیرون نیومدم. نصف دوستای خوبم رو به خاطر اینکه حال نداشتم باهاشون برم بیرون از دست دادم».

از پیامدهای گزینش مجرد زیستی، تجربه تنهایی و انزوا است. متلاشی کردن آیین‌های همبسته‌سازی مانند ازدواج و خانواده‌گرایی به شکلی کاملاً مبتذل و به‌شدت بورژوازی‌آلود به آیینی تمام‌قد برای تنهایی و انزوا درآمده است. پدید آوردن گسست از پیوست، ویژگی زمانه مدرن و معاصر است. گسست از اجتماع و فرو رفتن در لاک عزلت و تنهایی نتیجه مجرد زیستی گروهی دختران در شهر تهران است که حالا دیگر خروج از این نوع زیست برایشان امری سخت و پر مشقت شده است.

ترس از شکست و طلاق

بالا رفتن آمار طلاق، ترس از شکست طلاق در آینده، بازگویی تجربه‌های طلاق و ایجاد ترس در مجردان همه عواملی هستند که جوانان مجرد را به نوعی از تشکیل زندگی مشترک منصرف می‌کنند. نگار ۳۶ ساله پرستار بیمارستان است. او از تجربه طلاق دوستانش و ترس از این شکست می‌گوید:

«دو سه تا از بچه‌های همکارام در یکسال گذشته طلاق گرفتن. یکیشون دل خون شد تا جلد شد. آدم اینا رو می‌بینه می‌ترسه برای زندگی خودش هم اتفاق بیافته. میگی ازدواج آگه اینجوری بخواد ختم شه به طلاق، مجرد بمونی بهتره».

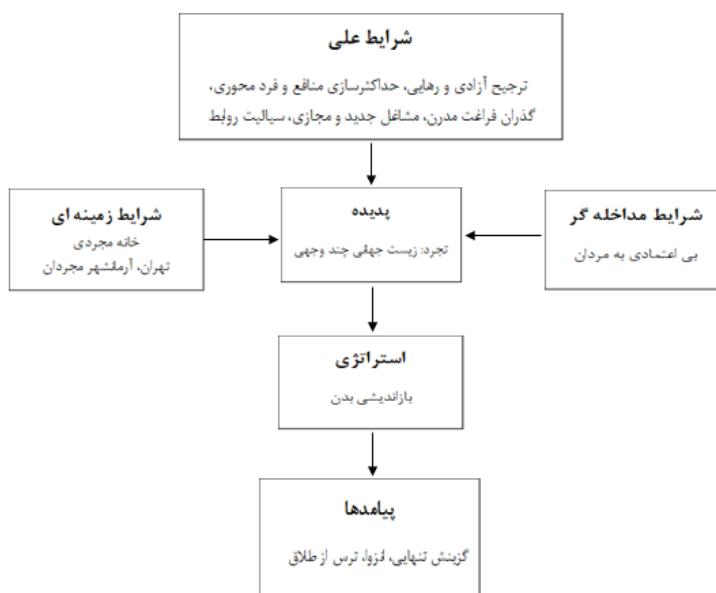
دنیا ۳۰ ساله نیز نظری مشابه با نگار داشته و او نیز از تجربه طلاق دیگران نسبت به آینده بیم دارد:

«طلاق و چیزهایی که می‌بینم، راستش می‌ترسم، دلایلش هم این هست که طلاق که می‌گیری هر چیزی پشت سرت می‌گن. شانس ما زناست، زندگی با طلاق سخته، ترجیح می‌دم مجرد بمونم تا ازدواج کنم و مجبور شم بعدش طلاق بگیرم».

به نظر می‌رسد ارائه خاطرات تلخ ناشی از طلاق به مجردان می‌تواند نقشی بسیار منفی در نگاهشان به تأهل ایجاد کرده و این موضوع به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر فرایند زیست مجردی آنان اثرگذار باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نگاه مطالعه حاضر متکی بر تجزیه و تحلیل معانی متفاوتی است که در قلمروهای متنوع زیست‌جهان مجردان به‌عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح می‌شود. مسئله‌ای اجتماعی که حالا با ابعاد مختلف و روندی مدرن در حال گسترش بوده و ویژگی‌هایی از فردگرایی مدرن و خواسته‌هایی جدید از زیست را به نمایش می‌گذارد. برای پی بردن به دلایل مجرد زیستی دختران در شهر تهران، بیش از هر چیزی ضروری است که به زمینه‌ها، عوامل علی و معانی کنش‌هایی که سوژه‌ها برای کنش خود قائل هستند، پرداخته شود. این پژوهش با رویکردی امیک، گروهی از دختران مجرد را سوژه‌ها و عاملینی فعال دانسته که با توجه به شرایط متفاوت جهان معاصر زیست‌جهانی جدید را انتخاب کرده‌اند. زیست‌جهانی که لذت و ندامت، خوشی و انزوا، اضطراب و سرخوشی را توأمان داشته و چالشی جدید را خلق نموده است.



شکل ۱. مدل پارادایمی مجردزیستی دختران در شهر تهران

مطابق مدل پدیدار شده، محور اصلی، چندوجهی بودن زیست‌جهان مجردان است. کنشی با برساخت‌های مختلف معنایی که به ما می‌گوید چه چیزی در میان دختران مجرد در جریان است.

مقوله مرکزی «تجرد: زیست‌جهانی چندوجهی» دامنه‌ای از اثرپذیری بخشی از دختران مجرد از نموده‌های فرهنگی مدرن و مابعد مدرن را نشان می‌دهد. جهانی جدید که به شدت فردگرا است؛ مصرف و لذت طلبی در آن آیین فراگیر گشته و نشانه‌های تنهایی زیستن در آن به مُد تبدیل شد است. در واقع با نوعی جدید از فراکتال ارزش‌ها مواجه هستیم. فراکتال به این معنا که همه محدودیت‌ها از میان برداشته شده و از نظام ارزشی و سستی تمرکززدایی می‌شود. در جهان معاصر ما شاهد پدید آمدن فرمی از زندگی هستیم که نه فقط در ایران بلکه به استناد پژوهش‌های خارجی، به مسئله‌ای جهانی بدل شده است. از شرایط علی مجرد زیستی اشاره شده در مدل پارادایمی، فردگرایی و ترجیح آزادی از عوامل با اهمیت محسوب می‌شوند. فردگرایی که حاصل گوشزد دائم فرهنگ نوین و درخواست‌های عاجزانه نظام سرمایه‌داری است و آزادی که در نظریه‌های دلوز، گاتاری، گیدنز و باومن تبیین شده است. در واقع دختران مجردی را مشاهده می‌کنیم که در ایستار مجرد زیستی خود به دنبال حداکثرسازی منافع و امیال بوده، روابطی توأم با تنوع و سیالیت را تجربه کرده، گذرانی جدید و فردگرایانه از اوقات فراغت خود دارند. این نوع از زیست اجتماعی شباهت زیادی به فرهنگ سرمایه‌دارانه در غرب دارد. نظامی از فرهنگ مدرن در غرب که سطح شایستگی اجتماعی را بر فردگرایی و لذت طلبی آن‌هم در نهایت حدش می‌داند. خودخواهی و تأکید بر منافع فردی، اولین قربانی‌اش تشکیل خانواده و مسئولیت‌پذیری است. در واقع در اینجا باید گفت ایدئولوژی فردگرایی و رهایی از قیدوبندهای هنجارساز اجتماعی نقش خود را با تمام قدرت ایفا کرده و با اغوای جوانان آنان را به لاک خصوصی‌گرایی می‌کشاند. این فردگرایی دختران مجرد با نظریه بازاندیشی مورد تأکید گیدنز در رابطه با آزادی و حق انتخاب‌های فردی در جهان مدرن همسو است (گیدنز، ۱۳۷۷). پژوهش‌های زارع و همکاران (۱۳۹۹)، باقری، مداحی و لطفی خاچکی (۱۳۹۸) و چابکی (۱۳۹۶) نیز نقش عوامل فردی را در تجرد زیستی جوانان مؤثر می‌دانند. آپوستولو و همکاران (۲۰۱۷) و هیمائون و همکاران (۲۰۱۸) نیز در پژوهش‌های خود درباره تغییر روند خواسته‌های جوانان، تجرد زیستی را نوعی انتخاب فردگرایانه و خارج شدن از محدودیت‌ها می‌دانند. در گام بعدی شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط است که در یک‌زمان و مکان خاص جمع شده تا مجموع اوضاع، احوال و مسائلی را پدیدآورند که اشخاص با عمل و تعاملات خاص به آن‌ها پاسخ می‌دهند. خانه

مستقل به‌عنوان زیست مکانی جدید، فراهم‌کننده شرایطی است که در ابتدا دختران مجرد را از طیف گسترده نظارت خانواده جدا کرده و دروازه‌ای از نیازهای جدید را برایشان خلق می‌کند. تعاملات آسان و متنوع، تنوع در برنامه‌های زندگی و نوع گذران زمان، مواردی است که با تجرد تحقق پیدا کرده و فرد را غرق در انگیزه‌های تجرد زیستی می‌کند. در این بین تهران، صحنه‌ای شهری متناسب برای تجرد زیستی است. در واقع می‌توان تهران را شهری دانست که حاد واقعیت در آن به معنای کامل رخ داده است. شهری که در آن واقعیت و هنجار زیر سطوح درخشان پرزرق و برق و اغواگراییه وانمودها یکسره ناپدید شده است. شهری که در آن به اذعان مجردان، تجرد زیستی تابو نبوده و امری فراگیر است. کلارک در کتاب جامعه مصرفی و شهر پسامدرن (۱۳۹۶) خود نیز بر نقش شهر در ایجاد سبک زندگی مدرن تأکید دارد. کلارک به نقل از بودریار در رابطه با شهر معتقد است، شهر در تمامی شکل خود با سنت ضدیت دارد (کلارک، ۱۳۹۶: ۲۱۰). در واقع تهران شهری است که می‌توان ماشین امیال مورد تأکید دلوژ و گاتاری، بازاندیشی گیدنز در تمامی وجوه، سیالیت روابط مورد تأکید گیدنز و پرسه زنی مورد تأکید والتر بنیامین را در آن ملاحظه کرد. در مقابل شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌ای وجود دارند که در تحقق راهکارها نقش ترمز را ایفا می‌کنند (ایمان زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱). در واقع، شرایط مداخله‌گر نقش تشدیدکننده، تغییردهنده و در مواقعی هم‌گند کننده پدیده را ایفا می‌کند که در اینجا شرایط مداخله‌گر نوعی دلیل تشدید این پدیده را به‌وضوح نشان می‌دهند. بی‌اعتمادی به مردان حاصل از تجربه روابط درگذشته زندگی نوعی دلسردی و فاصله را ایجاد می‌کند. فاصله‌ای که ممکن است به قیمت مجرد زیستی مداوم تمام شود. پژوهش‌های زارع و همکاران (۱۳۹۹)، باقری و همکاران (۱۳۹۸)، مهدوی و همکاران (۱۳۹۵) و محمدپور و تقوی (۱۳۹۴) بر بی‌اعتمادی جوانان نسبت به هم و تأثیر آن بر عدم ازدواج تأکید می‌کنند. همچنین بازاندیشی بدن به‌عنوان استراتژی دختران مجرد در زیبایی و نمایش خود، دغدغه‌ای در حال اشاعه است. حضور همه‌جاگیر بدن، از تبلیغات و مد تا تب مسائل بهداشتی و محصولات آن، شیک بودن، مراقبت‌ها و رژیم‌های مختلف، همگی امروزه شاهدهی بر این هستند که بدن و تناسب‌اندام، نگاه‌ها را از ویژگی‌های اخلاقی و ظاهری به ویژگی‌های فیزیکی و جسمانی دختران کشانده است. فرهنگی که بدن را به ابزار بهره‌مندی و پرستیژ و نوعی هدف سرمایه‌گذاری تبدیل کرده

است. سرمایه‌گذاری که بیش از هر چیزی نظام سرمایه‌داری از آن منتفع شده و جهان بی‌حد و مرزش را گسترده‌تر می‌کند. از جمله پیامدهای مهم تجرد زیستی دختران در شهر تهران، عادت به تنهایی است. مجردانی که با وجود احساس تنهایی، توانایی روانی پذیرش دیگرانی را برای زیست خود نداشته و تنهایی را ترجیح می‌دهند. اضطراب و تنش‌های روانی با بالا رفتن سن دختران مجرد تشدید می‌شود و این امر ممکن است به اختلالات جدی منتهی شده و سلامت روانشان را تحت‌الشعاع قرار دهد. این پژوهش بر آن بود تا بدون اغراق، بتواند حساسیتی نظری و پژوهشی را نسبت به مسئله‌ای اجتماعی جلب کند. سنجی از مجرد زیستی دختران که در این مقاله به آن پرداخته شد، هشدار می‌دهد از تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی در میان بخشی از جوانان مجرد است و پژوهش حاضر اگر توانسته باشد دست‌کم حساسیتی علمی نسبت به این مسئله و آینده آن ایجاد کرده باشد به رسالت علمی خود به‌خوبی عمل کرده است. در پایان باید اظهار داشت برای حل مسئله‌ای مانند مجرد زیستی دختران، قبل از هر چیز باید جهانشان را شناخت و درکشان از این سبک زندگی را به نظاره نشست و پس‌ازآن به راه‌حل روی آورد. از محدودیت‌های پژوهش که محقق را با چالش‌های جدی مواجه نمود شیوع پاندمی کووید-۱۹ و شرایط سخت برای انجام برخی مصاحبه‌ها بود. محقق مجبور به مصاحبه در فضای باز بود. همچنین عدم تمایل به مصاحبه برخی از افراد به دلیل ترس از بیماری کووید-۱۹ (کرونا ویروس) نیز از محدودیت‌های قابل توجه در طول انجام پژوهش بود. در بخش پیشنهادها پژوهش ابتدا توصیه می‌شود انگیزه‌های هر چند محدود برای تشکیل خانواده سنجی از دختران که مجرد زیستی را انتخاب نموده‌اند را شناخت. یکی از این انگیزه‌ها تمایل به هویت مادری و مادر شدن است. پیشنهاد می‌شود دیگرانی که تمایل به پژوهش در این حوزه دارند، با تمرکز بر حوزه هویت مادرانه دختران مجرد، راه‌های بازگشت به تشکیل خانواده را با اهرم مادر شدن پیوند زده، و با شناسایی درست این زمینه، انگیزه‌های دختران را برای ازدواج بازنمایی کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود با فهم خواسته‌ها و تمایلات دختران در عصر جدید به ویژه در حوزه روابط با خانواده، خانواده‌ی این افراد در زمینه ازدواج، حق تعامل و آزادی انتخاب بیشتری برای این گروه از دختران قائل شده و با عدم اجبار و تحمیل، راه را برای ازدواج همسان این دختران فراهم کنند.

منابع

- افراسیابی، حسین، برزیده، کسری، جوادیان، سیدرضا. (۱۳۹۹). سازگاری پرنوسان در تعاملات اجتماعی بیماران سرطانی؛ مطالعه کیفی در شهر اهواز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱(۱)، ۱-۱۶.
- افراشته، مه‌ری و فرامانفرمایی، تکت‌م (۱۳۹۶). شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین (هم‌خانگی)، *فصلنامه مدیریت فرهنگی*، دوره ۱۱، شماره ۲ (پیاپی ۳۷): ۹۹-۱۰۸.
- ایمان‌زاده، ایمان؛ محمدزاده، صدیقه و علیپور، سربیه (۱۳۹۶) «تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام (مطالعه ای پدیدار شناختی)». *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۹، شماره ۴: ۵۴۱-۵۶۰.
- باقری، شهلا؛ مداحی، جواد و لطفی‌خاچکی، طاهره (۱۳۹۸) «برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج براساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد)». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۷، شماره ۱: ۴۳-۶۹.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴)، *عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.
- بنیامین، والتر (۲۰۰۳). درباره برخی مضامین و دستمایه‌های شعر بودلر، ترجمه مراد فرهادپور، *فصلنامه آرنمون*، ۱۴: ۲۷-۴۸.
- چابکی، ام‌البنین. (۱۳۹۵). روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۰(۲-۳)، ۱۰۲-۱۲۳.
- دهبانی پور، رضا؛ خرم پور، یاسین و شیخی، عنایت (۱۳۹۷)، بررسی تجربی تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی در گسترش عناصر فرهنگی پست مدرنیسم (مطالعه موردی جوانان شهر یزد)، *رسانه و فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، دوفصل نامه علمی پژوهشی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان، ۹۹-۱۲۵.
- زارع، بیژن؛ سراج‌زاده، سید حسین؛ حبیب‌پور گنابی، کرم و مداحی، جواد. زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی-فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سینت). مسائل اجتماعی ایران. ۱۳۹۹؛ ۱۱ (۲): ۹۷-۱۲۳.
- سالنامه آماری تهران، شهرداری تهران، ۱۳۹۷.

- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸). سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۲، ۷۵-۹۵.
- کسلر، دیرک (۱۳۹۴). نظریه‌های روز جامعه‌شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن‌ها. ترجمه کرامت الله راسخ، نشر آگه.
- کلارک، دیوید (۱۳۹۶). جامعه مصرفی و شهرپسامدرن. ترجمه حمید پورنگ، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- گلن وارد (۱۳۹۶)، پست مدرنیسم، ترجمه: فخر رنجبری، قادر و کرمی، ابوذر. تهران: انتشارات ماهی، چاپ ششم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامانه‌های مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.
- لویز، خوزه (۱۳۸۵). ساخت نظریه اجتماعی. ترجمه حسن قاضیان، تهران: نشر نی.
- محمدپور، علی، تقوی، نعمت‌الله ت. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان. مطالعات جامعه‌شناسی، ۶(۲۰)، ۳۹-۵۳.
- مهدوی، محمدصادق؛ کلدی، علیرضا؛ اجمند، بهاره (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی رغبتی جوانان شهری به ازدواج (مورد مطالعه: شهر تهران)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۶، شماره ۱۹: ۳۳-۶۰.
- نصرتی نژاد، فرهاد؛ شریفیان ثانی، مریم و محمدی نوبری، علی (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی دیرهنگامی ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم، دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲: ۱۴۱-۱۵۸.
- Apostolou, M. Papadopoulou, I. & Georgiadou, P. (2019). Are people single by choice? Involuntary singlehood in an evolutionary perspective. *Evolutionary Psychological Science*, 5(1), 98-103.
- Apostolou, M., Jiaqing, O., & Esposito, G. (2020). Singles' reasons for being single: Empirical evidence from an evolutionary perspective. *Frontiers in psychology*, 11.
- Menelaos Apostolou (2017), why people stay single: An evolutionary perspective, *Personality and Individual Differences* 111 (2017) 263-271.
- DePoy, E. & Gitlin, L. (2005) Introduction to Research: *Understanding and Applying Multiple Strategies*. Michigan: Mosby.
- Ferguson, P. P. (1994). *The flaneur on and off the streets of Parise*, in Keith Tester (ed.) *the flaneur*, London: Routledge.
- Fisher, A. N., Stinson, D. A., Wood, J. V., Holmes, J. G., & Cameron, J. J. (2021). Singlehood and Attunement of Self-Esteem to Friendships. *Social Psychological and Personality Science*, 1948550620988460.

- Himawan, K. K., Bambling, M., & Edirippulige, S. (2018). The Asian single profiles: Discovering many faces of never married adults in Asia. *Journal of Family Issues*, 39(14), 3667-3689.
- Himawan, K. K., Bambling, M., & Edirippulige, S. (2017). Modernization and singlehood in Indonesia: Psychological and social impacts. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 40(2), 499-506.
- Laplante, B., Castro-Martín, T., Cortina, C., & Fostik, A. (2020). Unmarried cohabitation and its fertility in Ireland: Towards post-Catholic family dynamics?. *Irish Journal of Sociology*, 28(1), 5-28.
- Merriam, S. (2009) *Qualitative Research: a Guide to Design and Implementation*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Park, Y., Impett, E. A., & MacDonald, G. (2020). Singles' Sexual Satisfaction is Associated with More Satisfaction with Singlehood and Less Interest in Marriage. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 0146167220942361.
- Raymo, J. M., Uchikoshi, F. & Yoda, S. (2021). Marriage intentions, desires, and pathways to later and less marriage in Japan. *Demographic Research*, 44, 67-98.
- Saili, J., & Shanat, M. (2018). "I'm Not Married, Let's Just All Look at Me": Single Professional Malay Women's Experience.
- Smith, P. (2001). *Cultural Theory: an Introduction*, New publishers.
- Whitley, J. M. (2019). *Living Single when Family Matters: The Dating Experiences of Never-married Single Female Marriage and Family Therapists-in-training* (Doctoral dissertation, University of Louisiana at Monroe).